

نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر

دکتر احمد موثقی گیلانی*

بهزاد عطارزاده**

چکیده

گسترش سریع اینترنت و فناوری‌های ارتباطی در کشورهای اسلامی این پرسش را مطرح می‌سازد که این رسانه‌ها و واسطه‌های ارتباطی چه نقشی در جنبش‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی در این کشورها بازی می‌کنند. این مقاله فضایی را که اینترنت و فناوری‌های جدید در اختیار جنبش‌های اجتماعی گذاشته‌اند، تحلیل می‌کند و در مطالعه‌ای موردی به بررسی رابطه اینترنت و رسانه‌های دیجیتالی با جنبش اجتماعی در مصر و تأثیر فعالیت‌های مجازی چالشگران جامعه سیاسی بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی این کشور، می‌پردازد. به این منظور با مبنا قرار دادن نظریه بسیج

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (movasagh@ut.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران (behzad.attarzadeh@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۹۱-۱۴۷.

منابع چارلز تیلی به عنوان چهارچوبی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در تحلیل جنبش اجتماعی، نقش و تأثیر فضای مجازی را در فرایندهای مدل بسیج (قدرت، بسیج، منافع، سازمان، سرکوب - تسهیل و تهدید - فرصت) و عناصر مجموعه کامل نمایش جنبش اجتماعی (ارزشمندی، اتحاد، تعهد و تعداد) بررسی کرده و نشان داده‌ایم که تعامل موفق بین فضای مجازی و جنبش اجتماعی ناشی از انطباقی پویا میان کارویژه‌های گروه‌های اجتماعی و سیاسی در جهان واقعی و جهان مجازی است. در پایان، چشم‌انداز بالقوه‌ای را در رابطه اینترنت و فعالیت اجتماعی در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد و بر این فرض مبتنی است که الگوی تعامل اینترنتی به ظهور و تقویت بعضی از عناصر تئوری بسیج منابع تیلی کمک می‌کند؛ به‌ویژه اگر اینترنت نسبت به علایق افراد در دنیایی واقعی همدلی و همراهی نشان دهد.

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، محدودیت و ظرفیت‌های فضای مجازی، انقلاب مصر، نظریه بسیج منابع.

مقدمه

فراگیر شدن اینترنت به‌ویژه در جهان غرب بر متغیرهای بسیاری از جمله ارتباطات، سیاست، مشارکت و افکار عمومی اثر گذاشته است. در سطحی از بررسی می‌توان مشاهده کرد که با تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و تکنولوژیک، اینترنت در فرهنگ اجتماعی و سیاسی جوامع غربی جزئی از لوازم ضروری خانگی تبدیل شده و شرکت‌های مختلف خصوصی در این بخش به شهروندان خدمات پیشرفته‌ای را ارائه می‌دهند. فعالیت در فضای مجازی اعم از وبلاگ‌نویسی، حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ و دیگر امکاناتی که اینترنت در اختیار کاربران قرار داده، اگرچه پدیده نوینی است اما تأثیرات عمیقی بر مناسبات اجتماعی و سیاسی جوامع گذاشته است. نقش شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌نویسان در پوشش اخبار انقلاب‌های رنگی، پخش فیلم خودسوزی محمد بوعزیزی جوان تونس در اینترنت، انتشار تصاویر جنازه خالد سعید؛ جوان مصری که در مورد فساد پلیس در پخش مواد مخدر افشاگری کرده بود، در یوتیوب، که هرکدام بر روند تحولات سیاسی جوامع خود مؤثر بودند، شاهدی بر این مدعاست. این وضعیت البته اشاره به نقش وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی به عنوان عناصری مهم در پهنه وسیع اینترنت نیز دارد که می‌توانند به گونه‌ای مؤثر همچون رسانه‌هایی آزاد، افکار عمومی را آگاه کرده و به آن شکل دهند.

در دهه اخیر، جهان اسلام نیز از دروازه‌های دنیای مجازی گذشته و با پدیده شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌نویسی آشنایی پیدا کرده است. مسئله نفوذ و پیامدهای

۱. از این پس هر جا از عبارت شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود، مراد «شبکه‌های اجتماعی مجازی» است.

اجتماعی اینترنت در خاورمیانه واکنش‌های متعددی را از جانب محققان برانگیخت. نظر اغلب آنها معطوف به امکان مشارکت فضای مجازی در جنبش‌های اجتماعی این کشورها خاصه جنبش‌های دموکراسی‌خواهی بوده است. این دسته از پژوهشگران برآنند که فضای مجازی را باید پاسخی به فضای بسته سیاسی و تسهیل‌کننده^۱ روند دموکراسی‌سازی دانست. اما دیدگاه‌های بدبینانه‌ای نیز در این مورد وجود دارد که رابطه‌ای میان جنبش‌های اجتماعی و فضای مجازی نمی‌بیند. بدین ترتیب ما با دو نگاه متعارض در این رابطه مواجه هستیم. دیدگاه نخست بر این است که اینترنت می‌تواند ابزاری نو در اختیار کنشگران اجتماعی قرار دهد تا جایگزین اشکال و عناصر سنتی تر کنش‌های اجتماعی باشد و کارکردهایی دارد که جنبش‌های دموکراسی‌خواهی را تقویت می‌کند. دیگر دیدگاه بر آن است که فضای مجازی منجر به انزوای شخصیت فرد و گمنامی او در جامعه می‌شود. این دیدگاه منتقد، معتقد است اینترنت روابط ضعیف^(۱) یا تعاملات خالی از معنا^(۲) را جانشین پیوندهای قوی اجتماعی افراد می‌سازد.

در این مقاله ما به دنبال یافتن ابزارها و میزان فضایی هستیم که اینترنت و فضای مجازی در اختیار جنبش‌های اجتماعی در جهان اسلام - با تأکید بر تجربه مصر - قرار می‌دهد. گاه ناظران غربی و محققان خاورمیانه‌ای به دنبال نگاهی هنجاری و تجویزی هستند تا مشخص کنند اینترنت چگونه می‌تواند مورد استفاده فعالان اسلام‌گرا، به‌ویژه با هدف گسترش حقوق بشر، آزادی‌های فردی و دموکراسی قرار بگیرد. با این حال اینترنت تاکنون نتوانسته جایگزینی برای ابزار و استراتژی‌های متعارف جنبش‌های اجتماعی معرفی کند. وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها نمی‌توانند بسیاری از موانع و هزینه‌هایی را که حکومت‌ها بر سر راه جنبش‌ها در جوامع اسلامی قرار داده‌اند، کنار بزنند. با این وصف، برخورد حکومت‌های اقتدارگرا نشان می‌دهد که اینترنت و فضای مجازی نقش مهمی در مسیر مبارزه سیاسی جوامع به‌ویژه در برخی از کشورهای خاورمیانه دارد چراکه می‌تواند منافع اقتدارگرایان را مورد تهدید قرار دهد. همراهی موفق فضای مجازی و جنبش‌های اجتماعی را می‌توان در دو جنبه تحریک‌های گروهی و کارکردهای اعضا در جهان

مجازی و واقعی یافت. به عنوان یک فرضیه^۱ در مورد رابطه این دو عرصه (جامعه مجازی و جنبش‌های اجتماعی) می‌توان مدعی شد که امکانات و عناصری از فضای مجازی می‌توانند در فرایندهای مدل بسیج^۲ (قدرت، بسیج، منافع، سازمان، سرکوب - تسهیل و تهدید - فرصت) به سود جنبش اجتماعی و چالشگران (و حتی اعضای جامعه سیاسی) مؤثر واقع شوند، و همچنین به تولید برخی عناصر «مجموعه کامل نمایش جنبش اجتماعی» یاری رسانند. این موقعیت به‌ویژه هنگامی که فضای مجازی در «بسیج» افراد به منظور شرکت در کنش‌های سیاسی در دنیای واقعی به کار گرفته می‌شود، قابل توجه خواهد بود. در اینجا باید به این نکته توجه کرد که بدون فعالیت سیاسی در دنیای واقعی، جنبش اجتماعی در خطر از دست دادن پیروان و و تبدیل آنها به افراد گمنام و منفصل از زندگی اجتماعی قرار دارد. در واقع چهارچوب کلی این مقاله مبتنی بر مبانی نظری‌ای است که از رابطه میان جهان واقعی و جهان مجازی (اینترنتی) برمی‌گیریم. بدین ترتیب جنبش اجتماعی را به مثابه پدیده‌ای اجتماعی در دنیای واقعی، در چهارچوب نظریه بسیج منابع تبیین کرده و پیامدهای اجتماعی فضای مجازی بر مؤلفه‌های فرایندی بسیج و عناصر مجموعه کامل نمایش را با توجه نظرات متعارض در این مورد (تأثیرات مثبت و یا منفی فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی) به تحلیل می‌گذاریم.

با این مقدمه، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که فضای مجازی و اینترنت، به عنوان یک پدیده تکنولوژیک که در مناسبات اجتماعی و انسانی رسوخ کرده و خود نیز تا اندازه‌ای به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده، چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای جنبش‌های اجتماعی ایجاد کرده و چگونه بر فرایندهای شکل‌گیری این جنبش‌ها اثر می‌گذارد؟ در این مقاله به عنوان یک مطالعه تجربی، نقش و تأثیر فضای مجازی را در تحولات اخیر جامعه مصر که منجر به سقوط مبارک شد، به بررسی می‌گذاریم.

ذیل بحث مصر، به فعالیت‌های مجازی دو گروه مخالف حکومت مصر در

۱. در اینجا منظور فرضیه پشت سؤال است: the hypothesis behind the question.
 ۲. آن‌گونه که در نظریه چارلز تیلی تبیین می‌شود.

اواخر دوره حسنی مبارک، یعنی محافظه‌کاران (و بنیادگرایان) اخوان المسلمین و همچنین «جنبش کفایه» می‌پردازیم. تجربه جنبش کفایه به عنوان منبع خبرپراکنی و انجمن گفت‌وگو^۱ که مکان نشر آرای اصلاح‌طلبان و چالش با اقتدارگرایان سستی بود، کامیابی‌ها و محدودیت‌های یک جنبش اجتماعی متکی بر فضای مجازی را نشان می‌دهد. فعالیت‌های گسترده اینترنتی اخوان المسلمین نیز نشان می‌دهد یک جنبش اجتماعی به مدد فضای مجازی، چه گستره‌ای برای رساندن صدای خود به مخاطبان از یک سو و اثرگذاری جمعیت بر رهبران جنبش از دیگر سو، در اختیار دارد. مطالعه تحولات مصر از این دیدگاه، می‌تواند استراتژی‌های مبتنی بر فضای مجازی را که توسط جنبش‌های اجتماعی رشد می‌یابند و محدودیت‌های حکومتی را که بر این فعالیت‌ها در گستره مجازی اعمال می‌شود، توضیح دهد.

مبانی نظری پژوهش

۱. نظریه بسیج منابع در تبیین جنبش‌های اجتماعی

در این مقاله با اتکا به تئوری بسیج منابع و جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی^۲ اندیشمند انگلیسی، بر این موضع هستیم که اگرچه تفاوت‌هایی زمینه‌مند و نیازمند تفسیر در گستره اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی میان جنبش‌های اجتماعی در جوامع اسلامی و غربی وجود دارد، اما می‌توان از رهگذر یک چهارچوب شناختی عام در بحث جنبش‌های اجتماعی، فضا را از یک سو برای بررسی شاخص‌ها و عناصر نسبی فرهنگی و از سوی دیگر برای تحلیل نقش و تأثیر پدیده‌هایی نو مانند اینترنت بر جنبش‌های اجتماعی مهیا ساخت.

چارلز تیلی در آثار خود به‌ویژه از بسیج تا انقلاب^(۳) و جنبش‌های اجتماعی^(۴) تلاش دارد نظریه‌ای برای توصیف و تبیین جنبش‌های اجتماعی و کنش‌های جمعی ارائه دهد. به نظر او کنش‌های جمعی در شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون مانند انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی، توطئه‌های سیاسی، و حتی بسیاری از کودتاها، با هدف ایجاد تغییر یا جلوگیری از تغییری در جامعه اتفاق می‌افتد. او منشأ این کنش اجتماعی را همانند نظریه‌پردازان کلاسیک چون

1. Forum
2. Charles Tilly

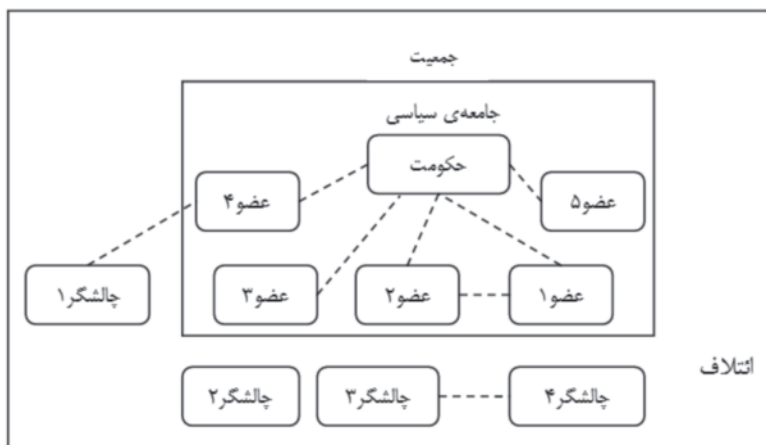
مارکس و وبر در تضادی اجتماعی می‌داند؛ اما نقدی که به مارکس دارد متوجه کلان‌نگری مارکسی است که به عقیده تیلی فرایندهای درونی کنش جمعی را نادیده می‌گیرد. وی در نقد نظریات مارکس و البته دورکهایم معتقد است: «تغییرات و جابه‌جایی‌ها در مبارزه بر سر قدرت سیاسی، روندهای کنش جمعی را بهتر از فرضیه‌های مبتنی بر فروپاشی اجتماعی یا گرفتاری‌های اقتصادی توضیح می‌دهد».^(۵)

تیلی برای تبیین و توصیف جنبش‌های اجتماعی و کنش‌های جمعی ابتدا دو مدل نظری ارائه می‌دهد. «مدل سیاسی»^۱ که به توصیفی ایستا از جامعه سیاسی اقدام می‌کند و «مدل بسیج»^۲ که به توضیح کنش جمعی می‌پردازد. عناصر مدل سیاسی وی عبارتند از: (۱) جمعیت؛^۳ مجموعه افرادی که با انگیزه‌های مشترک در یک کنش جمعی به صورت سازمان‌یافته یا خودانگیخته شرکت می‌کنند؛ (۲) حکومت؛^۴ سازمانی که مدعیان اصلی را کنترل می‌کند یا به عبارتی سازوکار اعمال زور بر جمعیت را دارد؛ (۳) یک یا چند مدعی؛^۵ گروه‌هایی که از منابع برای نفوذ در حکومت استفاده می‌کنند و شامل اعضا^۶ و چالشگران^۷ می‌شود. اعضا مدعیانی هستند که به منابع تحت کنترل حکومت دسترسی دارند یا هزینه دسترسی برای آنها ناچیز است؛ یا به تعبیری آن دسته از مدعیان که دعوی آنها در مبارزه قدرت، مشروع شناخته می‌شود؛^(۴) چالشگران: مدعیانی که هزینه دسترسی به منابع تحت کنترل دولت برای آنها زیاد است؛^(۵) جامعه سیاسی: عرصه کنش جمعی اعضا و حکومت را در بر می‌گیرد؛ (۶) ائتلاف؛^۹ گرایش مجموعه‌ای از اعضا و یا حکومت برای هماهنگی در کنشی جمعی است.^(۸) در شکل شماره ۱ روابط عناصر مدل سیاسی را مشاهده می‌کنید.

1. Polity Model
3. Population
5. Contender
7. Challengers
9. Coalition

2. Mobilization model
4. Government
6. Members
8. Polity

شکل شماره ۱. روابط عناصر مدل سیاسی



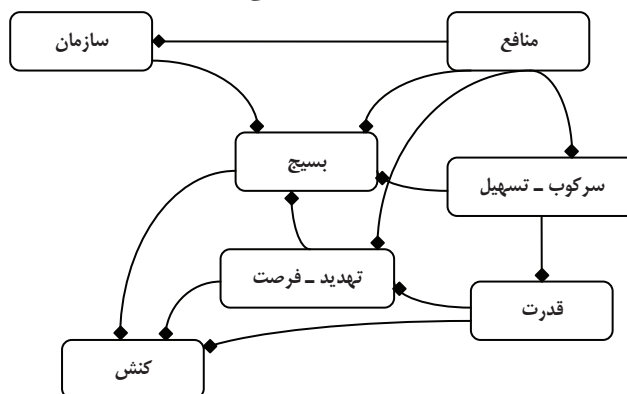
Source: Diagrammed on Tilly, 1977: 2-3.

الگوی دومی که تیلی ارائه می‌کند، «الگوی بسیج» نام دارد. نخستین مفهوم در این الگو «منافع»^۱ است که به طور اختصار شامل مجموعه انتظارات و منافع مشترک یک جمعیت است. گروهی که کنش جمعی را اعمال می‌کند در اثر تعامل با دیگر گروه‌ها و یا عوامل دیگر، امتیازات و محرومیت‌های مشترکی را احساس می‌کند. اینجا تیلی - در تعریف منافع - با تلفیق رویکرد ساختارگرای مارکس و فرهنگی وبر، شیوه تولید و یا عوامل ساختاری را عامل پیش‌بینی‌کننده منافع در بلندمدت عنوان می‌کند و مفصل‌بندی ذهنی کنشگران از منافع‌شان را تعیین‌کننده علایق و منافع در کوتاه‌مدت می‌داند. مفهوم دوم این الگو، «سازمان»^۲ است. سازمان میزان «هویت مشترک» و «ساختار وحدت‌بخش» میان افراد درون یک جمعیت را شامل می‌شود. به هر میزان که این دو عنصر نیرومندتر باشند، سازمان قوی‌تر است. برای توضیح این دو، تیلی به دو مؤلفه روابط دسته‌ای^۳ و روابط شبکه‌ای^۴ اشاره می‌کند. روابط دسته‌ای آن وجه از روابط است که افراد با توجه به ویژگی‌های مشترک، خود و دیگران را شناسایی می‌کنند؛ برای مثال زنان، مسلمانان سنی و غیره^(۹) روابط شبکه‌ای افرادی را شامل می‌شود که به صورت مستقیم و غیر مستقیم، بر اساس روابط

1. Interests
2. Organization
3. Categories
4. Networks

خاص بین فردی با یکدیگر در ارتباط هستند. مفهوم سوم در این الگو، «بسیج» است که شامل منابع تحت کنترل یا در حال انباشت یک مدعی است.^(۱۰) همچنین «فرایندی است که گروهی از افراد، از وضعیت منفعل به شرکت‌کنندگان فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند».^(۱۱) در اینجا تیلی کنترل و مهارت استفاده از منابع و دارایی‌های گروه را بسیار مهم‌تر از میزان این دارایی‌ها می‌داند. او بسیج را به سه نوع تدافعی^۱، تهاجمی^۲ و تدارکی^۳ تقسیم می‌کند که تفاوت‌های موقعیتی و معرفتی با هم دارند. بسیج تدافعی هنگامی است که تهدیدی از خارج، اعضای یک گروه را وادار به واکنش می‌کند؛ بسیج تهاجمی به واکنش گروه اطلاق می‌شود در برابر فرصتی که نسبت به بسیج منابع به دست آورده است؛ بسیج تدارکی نیز با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدها در آینده، به انباشت منابع می‌پردازد.^(۱۲)

شکل ۲. مدل بسیج



Diagrammed on Tilly: 1977: 3-7

مفاهیمی که تاکنون ذیل الگوی بسیج آمد، عوامل درونی یک کنش اجتماعی را تشکیل می‌داد، ولی عوامل بیرونی مشتمل بر سه مفهوم فرصت - تهدید^۴، تسهیل - سرکوب^۵ و قدرت^۶ هستند. هر قدر معادلات محیطی به گونه‌ای ثابت باشد که با منابع کمتری

1. Defensive
2. Offensive
3. Preparatory
4. Opportunity-Threat
5. Repression-Facilitation
6. Power

بتوان به منافع بیشتری رسید، برای کنشگر فرصت محسوب می‌شود و در حالت عکس آن، تهدید. به نظر تیلی منشأ فرصت‌ها و تهدیدها را باید در مدل سیاسی جست، چراکه پیکربندی فرصت‌ها برآیند رابطه میان حکومت و مدعیان است. عامل دوم سرکوب - تسهیل است که عبارت از کنش گروه‌هاست که سبب کاهش یا افزایش هزینه کنش جمعی شود. سرکوب و تسهیل را باید در دو سطح کنش جمعی و بسیج مد نظر قرار دهیم. در اینجا تیلی متذکر می‌شود که «افزایش هزینه [یا سرکوب] در مرحله بسیج [از سوی حکومت]، استراتژی مؤثرتری از افزایش هزینه [یا سرکوب] یک کنش جمعی است».^(۱۳) به عبارتی حکومت هنگام سرکوب کنش جمعی، منابع بیشتری را هزینه می‌کند و در مقابل همان‌طور که گفته شد، باید در انتظار بسیج تدافعی از جانب چالشگران باشد. عامل سوم قدرت، به معنی توانایی یک گروه به تحمیل علایق خود بر علایق دیگر گروه‌هاست. تیلی در مدل سیاسی، تفاوتی اساسی بین قدرت اعضا و چالشگران قائل شده است. اعضای جامعه سیاسی نسبت به چالشگران از قدرت بیشتری برخوردارند و کمتر مورد سرکوب قرار می‌گیرند، در حالی که چالشگران از طریق کنش جمعی به عضویت جامعه سیاسی درمی‌آیند. روابط مفاهیم مدل بسیج در شکل شماره ۲ قابل مشاهده است.^(۱۴)

تیلی تحت تأثیر سنت میل به هزینه‌های کنش جمعی توجه دارد و نتیجه آن را تولید کالای جمعی^۱ می‌داند که گروه در فرایند تولید آن ناگزیر به پرداخت هزینه است. به نظر تیلی، مدعیان بر اساس تفاسیر، ارزش‌ها و باورهای مشترک‌شان، در کنش جمعی برای تولید کالای عمومی متحمل هزینه‌های متفاوتی می‌شوند. تیلی، مدعیان را بر اساس نحوه و میزان پرداخت هزینه‌ها به چهار دسته تقسیم می‌کند: متعصبان پرشور، خسیسان، فرصت‌طلبان و مدعیان عادی.^۲^(۱۵)

1. Collective Goods

۲. Zealots: متعصبان که برای منابع خاصی ارزش بسیاری قائل هستند و در راستای دستیابی به آنها حاضر به هر اقدامی می‌شوند.
 Misers: خسیسان که به ندرت منابع خود را استفاده می‌کنند مگر آنکه از بازده آن مطمئن باشند.
 Opportunists: فرصت‌طلبان که به دنبال به حداکثر رساندن بازده هزینه‌ای هستند که متحمل می‌شوند.
 Run-of-the-Mill: مدعیان معمولی که به دنبال مجموعه محدودی از منابع هستند و حداقل منابع را صرف آن می‌کنند.

نظریه پردازان جنبش‌های اجتماعی معمولاً به دنبال مشخص کردن مجموعه‌ای از ویژگی مشترک میان جنبش‌های اجتماعی مختلف هستند. چارلز تیلی در تحقیقات متأخر خود به تعبیری این مجموعه ویژگی‌های مشترک را در مفهوم مجموعه کامل نمایش^(۱۶) دسته‌بندی می‌کند که شامل چهار عامل ارزش (یا بهتر بگوییم ارزشمندی)، اتحاد، تعداد و تعهد می‌شود. مجموعه عوامل جنبش اجتماعی مفهومی مختص به زمینه اجتماعی^۱ و رویه‌های عملیاتی استاندارد جنبش‌های اجتماعی مانند: میتینگ‌های عمومی، راهپیمایی‌های منظم، مراسم نیایش، شب‌زنده‌داری‌های دسته‌جمعی، تجمعات و ائتلاف‌هایی با اهداف مشخص، امضاها، تظاهرات و... است.^(۱۷) مفهوم ارزش^۲ به احساس تشخیص و تعادل در رفتار و کردار، به مانند جذب یک فرد روحانی یا شخصیت مادر برای فرزند، اشاره دارد. اتحاد^۳ را می‌توان در پرچم‌ها و نشانه‌های متحدی که در میان جمعیت به چشم می‌خورد و یا سرودها و شعارهای همان و هم‌صدای آنان یافت. نمود «تعداد»^۴ را می‌توان در حضور خیابانی جمعیت و یا امضاها، جمعیت دید. سرانجام تعهد^۵ را می‌توان در حضور افراد در خیابان‌ها به‌رغم هوای نامطلوب، جان‌سپاری و فداکاری اعضا و همچنین حضور کهن‌سالان و معلولان^۶ در جنبش اجتماعی یافت.^(۱۸)

دسته‌ای از انتقادهایی که بر نظریه تیلی وارد آمده متوجه این نکته است که نظریه وی اگرچه در تبیین «چگونگی» یک جنبش و کنش اجتماعی کارآمد است، اما در تحلیل چرایی و چیستی کنش ناتوان است.^(۱۹) از دیدگاه این پژوهش، توانایی تبیین «چگونگی» جنبش اجتماعی با وجود ضعف در تحلیل چرایی آن، مزیت راهگشای بحث است، زیرا از قبل این توانایی، می‌توانیم عناصر و عواملی را که در چگونگی فرایند جنبش اجتماعی نقش داشته و بر عناصر آن مؤثر واقع شده‌اند،

1. Context-Specific
2. Worthiness
3. Unity
4. Numbers
5. Commitment

۶. تیلی این مجموعه عوامل را به اختصار WUNC می‌نامد.

تحلیل کنیم. با اینکه تیلی اهمیتی برای فضای مجازی در نظریه خود قائل نبود، فرض این پژوهش این است که اینترنت می‌تواند بر فرایندهای مدل بسیج تأثیر گذاشته و بر شاخص‌های ارزشمندی، اتحاد، تعداد و تعهد مؤثر واقع شود.

۲. تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی

در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از معرفی نرم‌افزارها و برنامه‌های واسط میان کاربر و اینترنت که اسباب نشر آسان مطالب، اطلاعات، عکس‌ها و فیلم‌ها را فراهم می‌کنند، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی بخش مهم و فراگیری از دنیای مجازی را تشکیل داده‌اند. با نگاهی به تاریخچه وبلاگ‌ها، می‌توان دید که از ۱۹۹۹ و با راه‌اندازی چندین سرویس رایگان و یا ارزان‌قیمت وبلاگ‌نویسی نظیر Pitas، Blogger، Livejournal و Edit This Page، تعداد آنها هر سال رو به افزایش است. استفاده از این سرویس‌ها، نیازمند دانش فنی بالایی نبود و علاقه‌مندان می‌توانستند به‌سرعت یک وبلاگ ایجاد کنند. این‌گونه شد که تا اواسط سال ۲۰۰۰، بیش از یک‌هزار وبلاگ ایجاد شد. این رقم تا اواسط سال ۲۰۰۲ بیش از نیم میلیون و تا پایان سال ۲۰۱۰ به ۱۵۲ میلیون وبلاگ رسید.^(۳۰) یکی از مهم‌ترین تحولات مهم در ارتباط با وبلاگ‌ها، تبدیل آن به یک رسانه محاوره‌ای بود. تعداد زیادی از مؤلفان و نویسندگان فضای مجازی از وبلاگ خود برای بحث در ارتباط با موضوعات مورد علاقه و یا موضوعات مطرح‌شده توسط مخاطبان و یا سایر نویسندگان در وبلاگ‌های دیگر استفاده کرده و با به‌کارگیری لینک‌های متعدد، امکان دنبال کردن مباحث مورد نظر را در اختیار خوانندگان قرار می‌دادند. بدین ترتیب، خوانندگان علاقه‌مند می‌توانستند در مباحث مورد نظر شرکت و علاوه بر آگاهی از سایر دیدگاه‌های موجود، نقطه نظرات خود را بیان و یا شخصاً اقدام به ایجاد وبلاگ و دنبال کردن مباحث مورد نظر کنند. بدین ترتیب بلاگ‌ها الگوی ارتباط و تعامل در فضای مجازی را بین کاربران تقویت کردند که مبتنی بر کنش متقابل و مبادله نامتمرکز افکار و اطلاعات بود. این الگوی ارتباطی فضایی، به تدریج به عنصری مهم در کنش متقابل اجتماعی تبدیل شد.

۱. دست‌کم تا زمانی که کتاب جنبش‌های اجتماعی را در سال ۲۰۰۴ و بر تخت بیمارستان به رشته تحریر درآورد.

علاوه بر وبلاگ‌ها باید به نقش شبکه‌های مجازی در شکل و تقویت الگوی تعامل در فضای مجازی نیز اشاره شود. شبکه‌های اجتماعی با تمهیداتی که در اختیار کاربران قرار می‌دهند از یکسو امکان اینکه آنها دغدغه‌ها، افکار، عقاید، نظرات خود را روزانه با تعداد زیادی از افراد به اشتراک بگذارند، فراهم می‌کند و از سوی دیگر کارکردهای پنهان شبکه‌های اجتماعی امکاناتی برای فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کاربران در فضای مجازی ایجاد می‌کند. مجموعه این امکانات به استقبال گسترده کاربران از این شبکه‌ها منجر شد تا جایی که فیس‌بوک^۱ بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی فضای مجازی در سال ۲۰۱۰، پس از هفت سال فعالیت، بیش از ۵۱۷ میلیون عضو در سرتاسر جهان داشت.^(۲۱)

در مورد تأثیر اینترنت بر دموکراسی، توسعه سیاسی و جنبش‌های اجتماعی معطوف به آن نمی‌توان نظراتی کم‌و بیش یک‌دست ارائه داد. برخی نظریه‌پردازان شک دارند که اینترنت بتواند نیروی لازم برای سازمان‌دهی اجتماعی را که مؤلفه‌ای اساسی در فرایند توسعه سیاسی و تقویت دموکراسی است، فراهم آورد.^(۲۲) رابرت پاتنام از جمله جامعه‌شناسان ممتازی است که نسبت به تأثیر فضای مجازی بر افزایش سرمایه اجتماعی ابراز تردید می‌کند.^(۲۳) وی تأیید می‌کند «اینترنت منبعی بی‌مانند برای دسترسی آزاد و ساده به اطلاعات است؛ با این حال تاکنون اطلاع و گواهی در دست نیست که اطلاعات به‌تنهایی بتوانند تولیدکننده سرمایه اجتماعی و پیوندهای انجمنی باشد که لازمه توسعه و دموکراسی بادوام است». موانع اندک بر سر راه دستیابی و انتشار اطلاعات که باعث ازدیاد داده‌ها می‌شود می‌تواند نتایج معکوسی نظیر اغتشاش اطلاعات داشته باشد. رفت‌وآمد گمنام در فضای مجازی نیز اگرچه در نگاهی مزیت آن به شمار می‌رود، ولی پیامد ناخوشایندی مانند فقدان مسئولیت اجتماعی که در روابط رودررو گوینده را متعهد می‌سازد، به همراه دارد.^(۲۴) پاتنام در رابطه با تأثیر فضای مجازی در جنبش‌های اجتماعی معتقد است «مشارکت‌کنندگان در گروه‌های اینترنتی، به‌سختی با دیگر کاربران به اجماع رسیده و کمتر احساس انسجام می‌کنند» چنانکه به گونه‌ای از احساس «زوال شخصیت»^۲

1. Facebook
2. Depersonalization

خلاً روانی^۱، نشانه‌های اجتماعی ضعیف و «ضعف اعتقاد به فضایل گروهی» می‌رسند. پاتنام مدعی است «سرمایه اجتماعی باید متضمن یک واقعیت فیزیکی»^(۲۵)، در برابر پیوندهای مجازی باشد که «در مواجهه با گمنامی و حقه‌بازی [در محیط مجازی] بسیار آسیب‌پذیرند و سخت می‌توان بر پایه آنها اعتماد را بنا کرد»^(۲۶) گمنامی و انزوا در میان اعضای جامعه مجازی احتمال دارد تعاملات منسجم دنیای واقعی را مخدوش کند.

وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی با اینکه که عامل مستقلى در خروجی‌های سیاست نیستند، ولی توانایی آن را پیدا کرده‌اند که نقش مهمی در گستره سیاسی ایفا کنند. این ابزارها دست کم در رویکرد از پایین به بالای خود در جمع‌آوری و اشتراک اطلاعات، به طور چشمگیری دموکراتیک عمل می‌کنند. مهم‌ترین تأثیر اجتماعی وبلاگ‌ها می‌تواند این باشد که مردم را با الگوی تعامل جدیدی آشنا کرده و به آنها این امکان را داده که با علایق و منافع یکدیگر بیشتر آشنا شوند. تأثیر فضای مجازی را در سیاست‌های روز نیز می‌توان یافت. در سال ۲۰۰۲ وبلاگ‌نویسان امریکایی با انتشار اخبار و سازمان‌دهی کنش‌های اجتماعی علیه سناتور ترنت لات^۲ که عبارات نژادپرستانه‌ای در کمپین انتخاباتی خود اظهار داشته بود، باعث شدند او از رهبری اکثریت حزب بیافتد. همچنین از سال ۲۰۰۳ به این سو فعالیت وبلاگ‌نویسان در ایالات متحده علیه جنگ در عراق بسیار مؤثر بوده و منجر به انتشار اخبار افشاگرانه علیه خشونت و جنگ شده است.^(۲۷) ورود منازعه‌های سیاسی به عرصه مجازی به‌ویژه با انتشار اینترنتی اسناد ویکی‌لیکس در سال‌های اخیر برجسته شده است. امروزه سیاست‌مداران، هنرمندان و فعالان جنبش‌های مدنی به طور چشمگیری از بلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی مانند تویتر و فیس‌بوک برای ارتباط با مخاطبان خود استفاده می‌کنند.

در عصر اطلاعات، اینترنت بخش مهمی از جنبش‌های اجتماعی است؛ چه در جوامع دموکراتیک و چه جوامع محدود. هنگامی که حکومتی راه‌های بسیج را ببندد، اینترنت می‌تواند افراد هم‌کر را به هم نزدیک کرده و به آنها یاری رساند که

1. Psychological Distance
2. Trent Lott

پشتوانه‌ای برای کنش پیدا کنند. بسیج و فراخوانی توده‌ای در دنیای مدرن امروز به وجهی بازتعریف شده که یکی از مهم‌ترین نمودهای آن را می‌توان در کاربرد اینترنت در مبارزه‌های انتخاباتی کشورهای مختلف دید که با شدت و ضعف از غرب تا شرق را فرا گرفته است. نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در بسیج و فراخوانی در مبارزات انتخاباتی و تبلیغات نامزدهای ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ ایران و فعالیت مجازی *باراک/اوباما* نامزد دموکرات انتخابات سال ۲۰۰۸ ایالات متحده، می‌تواند دو نمونه بارز از این مورد باشد. اوباما توانست از طریق اینترنت وسعت دید هواداران خود را نسبت به سیاست‌هایش افزایش داده و آنها را به پای صندوق‌های رأی بکشانند.^(۲۸)

اینترنت در جوامع اسلامی به‌رغم بسترهای مختلف فرهنگی و راه‌های متفاوت دسترسی (در بین کشورهای مختلف)، به سرعت گسترش یافته است. با این حال رشد اینترنت در جوامع عربی و کشورهای حوزه خلیج فارس تا پایان سال ۲۰۰۱ کمترین میزان رشد در تمام دنیا را داشت.^(۲۹) مشکل عمده بر سر راه رشد اینترنت در این جوامع را شاید بتوان قیمت بالای کامپیوتر و هزینه استفاده از اینترنت، و همچنین دانش زبان انگلیسی دانست. پدیده کافی‌نت‌ها تا اندازه زیادی این امکان را به افراد داد که دسترسی آسان‌تری به اینترنت و آشنایی بیشتری با فضای مجازی داشته باشند. با گسترش فراگیری این فناوری جدید در شهرهای بزرگ در مدتی کوتاه شاهد آن بودیم که اینترنت منبع جانشین دسترسی به جدیدترین اخبار و اطلاعات در جوامع غیر دموکراتیک عربی و اسلامی شد.

بررسی وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی ابزارهایی است که نشان می‌دهند چگونه جنبش‌های اعتراضی از اینترنت استفاده می‌کنند. وب‌سایت در واقع ابزاری است که دسترسی گسترده و نامتمرکز را به منظور سازمان‌دهی جنبش فراهم می‌کند. اینترنت می‌تواند پیام‌های «سازمان» را به جهان بیرون اطلاع داده و در ضمن با اعضای خود در ارتباط باشد. سیستم باز اشتراک اطلاعات در عرصه گسترش یافته اینترنت، این «فرصت» را برای فعالان جنبش‌ها در کشورهای عمدتاً استبدادی خاورمیانه فراهم کرده که در فضایی با ساختار نامتمرکز که امکان فشار کمتری نسبت به دنیای واقعی بر آن است، فعال باشند. مزیت دیگر آنکه

میزبان‌های^(۱) این وبسایت‌ها اغلب در کشورهای دیگر هستند. این مسئله امکانی را برای جنبش‌ها در کشورهای اسلامی فراهم کرده که بسیاری از محدودیت‌ها و نظارت‌های حکومتی بر اینترنت را دور بزنند.^(۲) امکان دیگری که وبسایت‌ها در اختیار دارند، بازگشایی سریع خود، در آدرس دامنه^(۳) و میزبانی جدید بعد از مسدود شدن پایگاه اینترنتی آنها توسط حکومت و از کار افتادن فعالیت‌های مجازی‌شان است. اینترنت امکان انعطاف‌پذیری بی‌نظیری را برای سازمان‌ها فراهم می‌کند تا بتوانند به اعضا و هواداران خود هم در دنیای مجازی و هم واقعی، به واسطه کارکرد وبسایت‌ها به عنوان یک ستاد سیار سازماندهی جنبش، دسترسی پیدا کنند. با این حال این خوش‌بینی است اگر فناوری‌های جدید را یک‌سره در خدمت جنبش‌های ضد حکومتی ببینیم. همان‌طور که در گزارش عفو بین‌الملل نیز آمده، به‌رغم آنکه شبکه‌های مجازی و اینترنت نقش بسیار مهمی در موفقیت جنبش‌های اجتماعی داشتند، اما حکومت‌های سرکوب‌گر نیز از مزایا و امکانات تکنولوژیک و اینترنت برای سرکوب و کنترل مخالفان بهره می‌برند.^(۴) اهمیت این مسئله هنگامی روشن می‌شود که امکانات مالی و تکنیکی گسترده دولت‌های اقتدارگرا و کنترل آنها بر سرویس‌های خدمات‌دهنده فناوری‌های ارتباط جمعی (اعم از موبایل، اینترنت و غیره) را در تحلیل خود مورد نظر قرار دهیم.

در ادامه با مطالعه موردی تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر مصر (که به انقلاب و سقوط مبارک انجامید) بر اساس نظریه بسیج منابع، به تحلیل نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی این کشور در سال‌های اخیر می‌پردازیم. بدین منظور ابتدا به توصیف «مدل سیاسی» مصر و سپس توضیح «مدل بسیج» پرداخته و در امتداد آن، فعالیت‌های جنبش کفایه و اخوان‌المسلمین را به عنوان دو گروه فعال در فضای مجازی و مؤثر در جنبش اجتماعی بررسی می‌کنیم.

تحولات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در مصر

مصر در سال ۱۹۲۲ در پی جنبش نافرمانی مدنی سه‌ساله مردم علیه سیطره استعمار، به طور رسمی از بریتانیا استقلال یافت. طی سه دهه بعدی، ملک فاروق با مشی‌ای

1. Hosts
2. Domain

لیبرال در مصر حکومت کرد تا اینکه جمال عبدالناصر سرهنگ جوان ارتش در سال ۱۹۵۲ با یک کودتای نظامی پادشاهی را برانداخت و یک حکومت دیکتاتوری نظامی و ایدئولوژیک را جایگزین آن کرد. ناصر و جانشین وی *انور سادات*، نظامی سیاسی را در مصر جا انداختند که با بهره‌گیری از ماشین پُرحجم امنیتی، جامعه مصر را زیر سلطه می‌گرفت و قدرتی استبدادی را در اختیار رئیس‌جمهور قرار می‌داد.^(۳۲) اگرچه الگوی حکومت ناصر تا پایان دوران مبارک حفظ شد، مشی سیاسی و ایدئولوژیک آن در دوران سادات و مبارک، تغییر و تحولاتی اساسی به خود دید. بدین ترتیب که نقش ایدئولوژی به تدریج کمتر می‌شد و حکومت با اتکا بر ۳۲۵۰۰۰ نیروی‌های امنیتی و ۶۰۰۰۰ گارد ملی و ژنرال‌های متعهد به مبارک، دستگاه بوروکراسی و حزب حاکم «دموکراتیک ملی» (که در رأس آن مبارک قرار داشت) و در ائتلاف با بخش‌هایی از بازار و بازرگانان، جامعه سیاسی را تحت کنترل و اختیار خود درآورد. حکومت مبارک در طول نزدیک به سه دهه، با استناد به قانون وضعیت اضطراری^۱، آزادی اجتماعات و فعالیت‌های سیاسی را به شدت محدود کرد و به نظامیان و پلیس‌های امنیتی قدرت فراوانی داد. در اواسط دهه گذشته هم‌زمان با وخامت وضع سلامت مبارک، رئیس‌جمهور تمهیداتی را برای جانشینی فرزندش جمال مبارک آغاز کرد. این اقدام مبارک، نه تنها اعتراض مخالفان را برانگیخت که بسیاری از اعضای جامعه سیاسی نیز با این سیاست سر ناسازگاری داشتند.^(۳۳)

استمرار سه دهه ریاست مبارک بر حکومت، به یاری جو امنیتی ناشی از قانون وضعیت اضطراری و انتخابات‌های نمایشی، فضایی مملو از دلسردی و ناامیدی را در بین چالشگران و مردم مصر برقرار ساخته بود. در این فضا شخصیت‌های مخالف مانند *ایمن النور* و *محمد البرادعی*، و احزاب چالشگر همچون *الوفد*، *الجبهه* و حتی *اخوان المسلمین*، به مخالفانی مهارشده در چنگ حکومت قدرتمند حسنی مبارک تبدیل شده بودند. در انتخابات سال ۲۰۰۷ تنها ۲۳ درصد ثبت‌نام‌کنندگان به پای صندوق‌های رأی رفتند و باقی تمایلی به مشارکت نداشتند. اما نسل جدید و جوان مصر با استفاده از فناوری جدید مانند اینترنت، تلفن‌های

همراه و... همان‌طور که در ادامه نشان خواهیم داد درگیر فعالیت‌هایی بود که فضای سیاسی و اجتماعی مصر را دچار تحولاتی اساسی می‌ساخت. نکته‌ای مهم که باید در بررسی مدل سیاسی مصر به آن توجه داشت، تأثیر روابط خارجی دولت بر مسائل داخلی و جنبش‌های اجتماعی بود. روابط گرم دولت مصر با دولت‌های غربی دو پیامد متناقض برای حکومت مبارک داشت. از یک سو کمک‌های مالی سالانه و حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیکی که از سوی ایالات متحده و کشورهای غربی دریافت می‌کرد، می‌توانست به تثبیت موقعیت این کشور در سطح داخلی و منطقه‌ای کمک کند؛ از سوی دیگر به سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی این امکان را می‌داد که وضعیت حقوق بشر را در مصر همواره تحت نظر و مورد انتقاد قرار دهند. بدین ترتیب بود که مخالفان حکومت فرصتی یافتند تا صدای خود را به خارج از مرزها برسانند. در این شرایط، حکومت مبارک زیر فشار سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی مجبور به اعطای امتیاز به مخالفان می‌شد.

یکی از مهم‌ترین عناصری که ذیل عنوان مدل بسیج در مطالعه جنبش اجتماعی مصر باید به آن توجه کرد «قانون وضعیت اضطراری» است. فشار و سرکوب فزاینده حکومت مبارک متکی بر قانون وضعیت اضطراری بود که تجاوز به حقوق افراد و آزادی‌های آنان را در طول ۲۷ سال توجیه قانونی می‌کرد. تا پایان سال ۲۰۰۰، تنها ۰/۷ درصد از مردم مصر (معادل چهارصد و پنجاه هزار نفر) به اینترنت دسترسی داشتند. این آمار تا سال ۲۰۰۹ با رشدی مداوم به ۲۰ درصد (بیش از ۱۶ میلیون نفر) و در سال ۲۰۱۱ به ۲۴ درصد (بیش از بیست میلیون نفر) از جمعیت مصر افزایش یافت. هم‌اکنون بیش از ۷ میلیون نفر مصری عضو شبکه اجتماعی فیس‌بوک هستند.^(۳۴) تا سال ۲۰۰۸، تعداد وبلاگ‌هایی که در مصر ایجاد شده بود بیش از ۱۶۰ هزار وبلاگ بود.^(۳۵) این رشد نشان‌دهنده استقبال مصریان از اینترنت در دهه اخیر است. با این حال همانند دیگر کشورهای عربی، غالب کاربران اینترنت محدود به مناطق شهری هستند و نخبگان و تحصیل‌کردگان بیش از دیگران به اینترنت دسترسی دارند. به لحاظ تعداد کاربران اینترنت، مصر اکنون بالاترین رتبه را میان کشورهای عربی و دومین رتبه را (بعد نیجریه) در میان کشورهای آفریقایی داراست.^(۳۶)

جدول شماره ۱. آمار کاربران اینترنت در مصر

سال	تعداد کاربران	جمعیت کل کشور	میزان (درصد)
۲۰۰۰	۴۵۰۰۰۰	۶۶۳۰۳۰۰۰	۰/۷
۲۰۰۶	۵۱۰۰۰۰۰	۷۱۲۳۶۶۳۱	۰/۷
۲۰۰۸	۱۰۵۳۲۴۰۰	۸۱۷۱۳۵۱۷	۱۲/۹
۲۰۰۹	۱۶۶۳۶۰۰۰	۷۸۸۶۶۶۳۵	۲۱/۱
۲۰۱۱	۲۰۱۳۶۰۰۰	۸۲۰۷۹۶۳۶	۲۴/۵

Internet World Stats, "Egypt: Internet Usage and Telecommunications.

از زمانی که اینترنت پا به جامعه مصر گذارد، با سانسور گسترده حکومتی همراه بود. با این حال هنگامی که دولت در ۲۰۰۲ مدیریت ISPها را به بخش خصوصی و رقابتی واگذار کرد، مصر به بزرگ‌ترین بازار اینترنت در افریقا با حدود ۳۰۰ شرکت خدمات اینترنتی (که تا سال ۲۰۰۹ زیر مجموعه ۵ شرکت بزرگ بودند) تبدیل شد و جمعیت بیشتری از مردم، این فرصت را یافتند که به اینترنت دسترسی داشته باشند.^(۳۷) تلاش‌های دولت در ارائه خدمات اینترنت پرسرعت که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد، از یک‌سو به کاربران بیشتری امکان استفاده از اینترنت را داد و از سوی دیگر کنترل حکومت بر فضای مجازی را تشدید کرد. به این ترتیب شرکت دولتی مخابرات که بزرگ‌ترین خدمات‌دهنده اینترنتی در مصر محسوب می‌شد این امکان را به حکومت می‌داد که اراده خود را بر بیشتر کاربران مصری تحمیل کند. در این وضعیت، مبارک این «قدرت» را می‌یافت که با بستن سایت‌های متقدم، اعمال سانسور، فیلترینگ و کنترل، اقتدار خود را به فضای مجازی نیز بسط دهد. در واقع گسترش اینترنت با ابتکار حکومت، از یک‌سو «فرصتی» برای مخالفان سیاسی حکومت فراهم آورد که منجر به «تسهیل» فرایند بسیج می‌شد و از سوی دیگر تهدیدی علیه چالشگران بود چراکه به تمرکز بیشتر وسایل کنترل بر فضای مجازی در دست حکومت و «سرکوب» فعالان سایبری حتی در فضای واقعی می‌انجامید. در بررسی وضعیت سانسور فضای مجازی در مصر باید به چند نکته توجه داشت. نخست اینکه قانون وضعیت اضطراری، اینترنت را تهدیدی برای امنیت ملی تفسیر می‌کرد. در سال ۲۰۰۲ وزارت کشور بخش ویژه‌ای با عنوان اداره کل

اطلاعات و اسناد^۱ را در پلیس راه‌اندازی کرد که عهده‌دار کنترل و سانسور اینترنت بود.^(۳۸) در نوامبر آن سال مبارک لایحه‌ای را از مجلس گذراند که بر اساس آن اختیارات گسترده‌ای برای کنترل و محدودیت بر ارتباطات در اختیار دولت می‌گذاشت.^(۳۹) سیاست دیگری که توسط وزارت کشور به منظور کنترل وبسایت‌ها پی گرفته شد، تعقیب افراد به اتهام انتشار مطالب غیراخلاقی در فضای اینترنتی بود.^(۴۰) دولت با این دو اقدام، در لوای پوششی قانونی قادر بود فعالان سیاسی را در اینترنت مورد تعقیب قرار دهد. این وضعیت، فضای اینترنتی را به فضایی ناامن برای اظهار آزادانه عقاید بدل کرده بود. با این حال بسیاری نیز بودند که در این فضا وضع موجود را به چالش طلبیده و در رابطه با فساد حکومت دست به افشاگری می‌زدند. تلاش بسیاری از این فعالان دنیای مجازی برای اعتراض و به چالش گرفتن حکومت، به تحمل فشار و رنج در دنیای واقعی منتج می‌شد. از جمله *وائل* غنیم^۲، وبلاگ‌نویس مشهور مصری و مدیر بازاریابی شرکت گوگل در دبی که با اعلام فراخوان اعتراض جمعی علیه حکومت، هزاران نفر را به خیابان‌های قاهره و دیگر شهرهای مصر کشاند. فراخوان او که منجر به نخستین کنش جمعی از سلسله کنش‌های اعتراضی تا سقوط مبارک در میدان تحریر بود، سبب بازداشت او شد. وائل که تحسین بسیاری از رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را واداشته است،^(۴۱) کار خود و دیگر وبلاگ‌نویسان مصری را تأسیس مکتب جدیدی در روزنامه‌نگاری توصیف می‌کند و آنان را «آخرین صدای مستقل» می‌نامد.

هنگامی که از جنبش انقلابی مصر یاد می‌کنیم نمی‌توان از نام خالد سعید جوان مصری که قربانی خشونت و فساد پلیس شد، به آسانی عبور کنیم. در ششم ژوئن ۲۰۱۰، دو مأمور پلیس در کافی‌نتی در شهر اسکندریه، خالد سعید را به زیر مشت و لگد کشاندند و او را همراه خود به مکانی نامعلوم بردند. خالد سعید همان شب در بازداشتگاه پلیس از شدت جراحات و ضربه‌های وارده به سر و بدنش درگذشت. پلیس در مقطعی او را متهم به اعتیاد و در مقطعی دیگر متهم به حمل سلاح می‌کرد، و بیانیه وزارت کشور در مورد مرگ او، از خالد سعید به عنوان فرد معتادی که برای

1. General Administration of Information and Documentation (به ریاست احمد عصمت)
 ۲. اسم کامل وی *وائل سعید عباس غنیم* می‌باشد.

چهار مورد سرقت، حمل اسلحه و حمله به یک زن، علاوه بر فرار از خدمت سربازی در سال ۲۰۰۸ تحت پیگرد بوده است، معرفی می‌شد^(۴۲)، اما واقعیت چیز دیگری بود. خالد سعید از طریقی (گویا هک کردن موبایل پلیس) به فیلمی دست یافته بود که نشان می‌داد عده‌ای از مأموران پلیس اسکندریه در تجارت مواد مخدر دست دارند. او می‌خواست این ویدیو را در اینترنت قرار دهد تا توجه افکار عمومی را به فساد پلیس جلب کند. در پی قتل سعید، عکس‌هایی از جنازه وی در اینترنت پخش شد و خبر این جنایت به همراه گزارش‌های ضد و نقیض در کشور گسترش یافت. وائل عباس در واکنش به این خبر، صفحه‌ای در شبکه اجتماعی فیس‌بوک با عنوان «همه ما خالد سعید هستیم» (کلنا خالد سعید) راه انداخت که به‌زودی به منبعی برای اخبار سرکوب‌ها و مبارزات فعالان سیاسی و سایبری تبدیل شد.

هنگامی که انقلاب در تونس به سرانجام رسید^(۴۳)، امید به میان مخالفان مصری بازگشت. بدین ترتیب در صفحه فیس‌بوکی که وائل عباس به یاد سعید راه اندخته بود، قرار راه‌پیمایی و اعتراض به حکومت، برای نخستین بار پخش شد و در «جمعه خشم» (بیست و پنجم ژانویه) مردم مصر به خیابان‌ها آمدند و تا استعفای مبارک به خانه بازنگشتند. وائل عباس غنیم که چند روز پس از آغاز تظاهرات به مصر بازگشته بود، توسط پلیس دستگیر شد و پس از پانزده روز، زیر فشار سازمان‌های بین‌المللی و اعتراضات مردمی آزاد شد و مستقیم به میدان تحریر رفت. به ادعای شبکه الجزیره آزادی وائل غنیم، موج تازه‌ای از تظاهرات را در مصر رقم که طی آن هزاران نفر به خیابان‌های قاهره و دیگر شهرها پیوستند.^(۴۴)

گروه دیگری که در تحولات مصر که ریشه در فعالیت‌های مجازی مخالفان داشت، تأثیرگذار بود «جنبش ششم آوریل» است. در آوریل سال ۲۰۰۸ جمعی از فعالان سیاسی به منظور حمایت از اعتصاب کارگران شهرک صنعتی «محلّه الکبری» صفحه‌ای در فیس‌بوک ایجاد کردند و با استفاده از دیگر رسانه‌های مجازی چون وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها، اخبار اعتصاب را منتشر و اعتراض‌های قانونی را سازماندهی می‌کردند.^(۴۵) در ژانویه ۲۰۰۹، صفحه این گروه اینترنتی بیش از هفتاد هزار عضو داشت^۱ که بیشترین پایگاه اجتماعی آنان را جوانان و اقشار تحصیل‌کرده

۱. صفحه فیس‌بوکی این گروه، هم‌اکنون بیش از ۳۵۳ هزار نفر عضو دارد:

تشکیل داده و شعارهای سیاسی آنان حول محورهایی چون تأکید بر آزادی بیان و اعتراض به رکود اقتصادی، خویشاوندسالاری و فامیل‌بازی در حکومت^{۴۶} بود. علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، این گروه در سال ۲۰۰۸ راهپیمایی و تظاهراتی به منظور حمایت از خبرنگاران زندانی و همچنین اعتراض به حمله نظامی اسرائیل به غزه تدارک دید که به دنبال آن دولت مصر، برخی فعالان این گروه از جمله /حمده ماهر یکی از بنیادگزاران آن را دستگیر کرد.^{۴۷} در ششم آوریل ۲۰۰۹ یعنی یک سال بعد از شروع فعالیت‌های گروه، حکومت طی اقدامی هماهنگ دست به سرکوب گروه زد؛ بسیاری از پایگاه‌های اینترنتی حامیان «جنبش ششم آوریل» را هک و بسیاری از معترضان خیابان‌های قاهره را دستگیر کرد.^{۴۸} در چنین وضعیتی اگرچه بسیاری از فعالان مهم گروه دستگیر و مورد فشار قرار گرفتند، اما نام و تجربه فعالیت‌های موفق گروه در بسیج افراد، سبب شد هم‌زمان با تحولات سیاسی در اواخر سال ۲۰۱۰ و ژانویه ۲۰۱۱ این جنبش بار دیگر به صحنه تحولات اجتماعی و سیاسی مصر بازگردد.

از دیگر تحولات اجتماعی که ریشه در دنیای مجازی دارد می‌توان به راه‌اندازی کمپین‌ها و فراخوان‌های مخالفان در اینترنت اشاره کرد. برای مثال عبدالکریم نبیل سلیمان عامر یکی از وبلاگ‌نویسان غیرمذهبی مصری به دلیل انتقاد به دانشگاه الازهر و حکومت، به جرم توهین به دین اسلام و تحریک به منظور آشوب و همچنین توهین به مبارک در سال ۲۰۰۷، به چهار سال زندان محکوم شد.^{۴۹} در مقابل هواداران عبدالکریم کمپینی برای آزادی او در دنیای مجازی راه انداختند. اهمیت چنین واکنش‌هایی از سوی وبلاگ‌نویس‌ها به تهدیدهای حکومت، زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که به راه‌اندازی صفحات فیس‌بوکی و انجمن‌های اینترنتی می‌انجامد. این انجمن‌ها امکاناتی را فراهم می‌کنند که وبلاگ‌نویسان در فضای مجازی گرد هم آیند و علایق، عقاید و نظرات خود را به اشتراک گذارند. به این ترتیب در فضای سانسور و تحدید رسانه‌ها، این انجمن‌ها به مثابه رسانه بدیل عمل می‌کنند. از منظری نیز، این انجمن‌ها با نزدیک‌تر کردن

<https://www.facebook.com/shabab6april>

1. Nepotism

شمار بیشتری از مخالفان و فعالان در فضای مجازی در واکنش به فضای بسته جامعه، تهدیدهای حکومت را به فرصتی برای فعالان مخالف تبدیل می‌کنند. قطع نظر از فعالیت‌ها و تلاش‌های وبلاگ‌نویسان، دو جریان و جنبش اجتماعی در مصر، «کفایه» یا جنبش مصری‌ها برای تغییر، و اخوان‌المسلمین، فضای مجازی را فرصتی بزرگ برای ترویج انتقادات و اعتراض‌های خود به حکومت مبارک دیدند. در ادامه به فعالیت‌های این دو جنبش می‌پردازیم.

کفایه: جنبش مصری‌ها برای تغییر سریع

مسئله جانشینی در مصر ناظران داخلی و خارجی را نگران کرده بود. «با نبود معاون ریاست جمهوری و سالخوردگی مبارک و بیماری وی» بسیاری از خود می‌پرسیدند «خلأ مبارک را چه کسی پُر خواهد کرد؟» جنبش مردمی «کفایه»^۱ در سال ۲۰۰۴ با طرح این پرسش به میدان آمد.^(۵۰) در واقع «جنبش مصری‌ها برای تغییر سریع» - یا عنوان مشهور اینترنتی آن؛ کفایه - چنان‌که در نام آن نهفته است، جنبشی بود از سوی مخالفان حکومت با هدف پایان دادن به وضعیت اضطراری و اعتراض به برنامه مبارک برای جانشین ساختن فرزندش به حکومت و موروثی ساختن استبداد.^(۵۱)

خیل انبوه معترضان «پرشور» وجه برجسته و نمود عنصر «ارزشمندی» جنبش مردمی در مصر است. تعهد ایشان را می‌توان در تعصب و شجاعت پاسخ به فراخوان‌ها، از جمله فراخوان‌های کفایه و حضور در خیابان‌ها بدون انتظار برای مجوز حکومت و به دنبال آن گسترش فضا برای اعتراض عمومی جست‌وجو کرد. موفقیت سازماندهی جنبش کفایه با بهره بردن از فناوری اطلاعات به‌ویژه در فضای مجازی، تأثیر عمیقی بر جنبش مصر و مناطق دیگر گذاشت. وبسایت کفایه در میان کاربران اینترنتی مصر محبوبیت بسیار یافت، چراکه این فرصت را برای آنها فراهم می‌کرد که به صورت ناشناس، اعتراض‌ها و انتقادهای خود به حکومت مبارک را اظهار دارند. به مدد این تعامل نوین، هر کاربر با بسیاری از هم‌فکرانش پیوند یافته و حسی از همکاری مجازی و شبکه‌ای گسترش و پرورش داده می‌شد.

۱. به معنای «کافی است».

در واکنش به سانسور رسانه‌های چاپی و تلویزیون‌ها، و به دنبال تجربه موفق رسانه‌های ارتباطی جایگزین در بسیج توده‌ای، کفایه از ایمیل به اعضا، تبلیغات در وبسایت‌ها و نشر اخبار در وبلاگ‌ها برای فراخوان مردمی بهره می‌گرفت.^(۵۲)

توانایی کفایه در تصریح و بازتعریف منافع و علایق کاربران فضای مجازی، در خدمت توده‌های معترض خیابان‌های مصر، ویژگی برجسته این سازمان بود که بر جنبش اجتماعی تأثیر بسزایی می‌گذاشت. سازمان توانست افراد را از پس انفعال و فعالیت گمنام در فضای اینترنت به حضارانی فعال بدل کند. به این ترتیب موفقیت کفایه را می‌تواند با توجه به مجموعه عوامل جنبش اجتماعی نظریه چارلز تیلی مورد مطالعه قرار داد؛ به‌ویژه حضور خیابانی چالشگران متعصبی که به‌رغم احتمال سرکوب حکومتی، به اهداف جنبش متعهد بودند. بسیاری از چالشگران یک چشم به اینترنت دوخته بودند و چشمی دیگر به خیابان‌ها و میدان‌های شهر. آنهایی هم که به اینترنت دسترسی نداشتند، به یاری شبکه‌ای از روابط میان‌فردی از برنامه و زمان فراخوان‌ها اطلاع پیدا می‌کردند.

نخستین شگرد تبلیغات و توسعه فعالیت‌های کفایه بهره‌گیری از وبلاگ‌نویسان مستقل و فیس‌بوک بود. قرابت آرای بسیاری از وبلاگ‌نویسان به گرایش‌های ضد حکومتی کفایه، به‌راحتی آنها را به یکدیگر نزدیک می‌ساخت. وبلاگ‌نویسان از یک سو آگاهی سیاسی شهروندان مصری را تقویت کرده و توجه آنان را به فراخوان‌های کفایه جلب می‌کردند و از سوی دیگر نگاه رسانه‌های بین‌المللی را به خود معطوف می‌ساختند.^(۵۳) موفقیت رهبران کفایه در این امر، نشان از مهارت آنها در ترکیب سیاست دنیای واقعی با فناوری دنیای مجازی داشت.

حکومت مبارک در مقابل موفقیت سریع کفایه در چهارم می سال ۲۰۰۸، پایگاه اینترنتی این سازمان را برای کاربرانی که از طریق شرکت دولتی T-Data بزرگ‌ترین شرکت خدمات اینترنتی، به این سایت دسترسی داشتند، مسدود کرد.^(۵۴) حکومت می‌دانست که این عمل، راه حل دائمی برای مهار کفایه نخواهد بود؛ به این ترتیب هم‌زمان فشار بر جنبش را به دنیای واقعی گسترش داد. رهبران جنبش مورد تعقیب قرار گرفته، معترضان، شکنجه و سرکوب و به صورت غیرقانونی و بدون حکم بازداشت می‌شدند و حکومت روزنامه‌نگاران اینترنتی را به دلیل

فعالیت‌هایشان هدف قرار می‌داد.^(۵۵) حکومت مصر، عمل سیاسی در حوزه مجازی را منفصل از حوزه عمومی واقعی نمی‌شناخت و هر اقدام یا عقیده‌ای که فرصت‌های محدود سیاسی را برای چالشگران قدری افزایش می‌داد، مورد سرکوب حکومتی قرار می‌گرفت.

این سرکوب‌ها و فشارها پیامدها و نتایجی را برای جنبش کفایه در بر داشت. آنان به این درک عینی رسیدند که حمایت از جنبش مردمی چه در فضای مجازی و چه فضای عمومی برای آنان چه هزینه‌ها و خطراتی دارد. اگرچه این مانع به‌خودی‌خود آن‌قدر بزرگ نبود که فعالان متعهد کفایه را از ادامه فعالیت ناامید کند و هزینه مبارزه برای دیگر اعضای جنبش را افزایش می‌داد. در این دوره، بازداشت رهبران مهم کفایه، تمرکز فعالیت‌های سازمان را ناگزیر منحرف می‌کرد. با افزایش فشار، تهدید و آزار معترضان، جنبش کفایه به کانونی برای تلاش به منظور آزادی این افراد بدل شد. حکومت با ترکیب سیاست فشار و توقیف رهبران کفایه و حملات گسترده رسانه‌ای، تلاش گسترده‌ای را در مهار جنبش پی گرفت. دستگاه امنیتی با شایعه‌سازی و روش‌های معمول در ایجاد توهم توطئه، کفایه را متهم می‌کرد که آلت دست ایالات متحده است و از آن کشور کمک مالی دریافت می‌کند. اتهامات تا بدان‌جا پیش می‌رفت که شخص مبارک در مصاحبه‌ای با فیگارو کفایه را متهم به ارتباطات مشکوک با خارج ساخت.^(۵۶)

به‌رغم احتمال نابودی جنبش، کفایه با اتکا بر محبوبیت و موفقیت خود، فضای سیاسی مصر را تغییر داده بود. این جنبش با استفاده از اینترنت به عنوان ابزاری برای بسیج، هواداران خود را به اعتراض در خیابان‌ها کشاند. با این وصف، این پیش‌فرض که فضای مجازی چالشگران وضع موجود را منزوی و دلسرد از اعتراض مستقیم به حکومت می‌کند، با تجربه جنبش کفایه، صفحات فیس‌بوک و فعالیت‌های وائل عباس زعیم به چالش کشیده می‌شد. اینترنت نه‌تنها به انزوای مصری‌ها از جنبش اجتماعی و کنش سیاسی نمی‌انجامید، بلکه افراد دلسرد و ناامید از آینده سیاسی را به فعالیتی پُر شور دعوت می‌کرد. بدین ترتیب می‌توان مشاهده کرد که اشکال روابط «دسته‌ای» و «شبکه‌ای» میان جمعیت نیز به کمک فضا و الگوی تعامل مجازی قوی‌تر و پویاتر شده است. گزارش‌ها حاکی از آن بود که موفقیت کفایه در

استفاده از اینترنت و وبلاگ‌ها در بازنمایی گسترده نقض حقوق بشر، حکومت را مجبور به اعطای امتیازاتی به مخالفان ساخت و برخی از سرکوب‌کنندگان، معترضان را مانند آنچه مدتی بعد در مورد عاملان قتل سعید انجام داد، مجازات کرد. این مسائل در مجموع به فرسایش تدریجی اقتدار حکومت یاری رساند. ارزیابی حاضر از جنبش کفایه این نگاه را که عرصه مؤثر اینترنت و فضای مجازی یکی از عوامل مهم و دخیل در موفقیت جنبش‌هاست، تقویت می‌کند.

اخوان المسلمین و جنبش سلفیه در فضای مجازی مصر

اخوان المسلمین یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های مبارز مصری است که طی دوران طولانی فعالیت‌هایش، دچار تحولات عمیقی شده است. در آغاز، حسن البنا مدرس دینی و فعال اجتماعی و سیاسی مصری، اخوان المسلمین را در ۱۹۲۸ میلادی بر اساس آموزه‌های بنیادگرایی اسلامی پایه گذاشت. به تدریج اخوان المسلمین از یک گروه کوچک تبدیل به یک سازمان سیاسی و اجتماعی بزرگ با فعالیت‌های گسترده شد. گستره این فعالیت‌ها سرانجام به ترور حسن البنا در ۱۹۴۹ میلادی منجر شد. در دوره بعد که حسن هضیبی مرشد عام اخوان بود، شاخه‌های مخفی سازمان محدود شد و رهبری سازمان سعی کرد از اقدامات خشونت‌بار جلوگیری کند. نگاه محافظه‌کارانه رهبری اخوان موجب تعارض‌هایی در سازمان شد، به‌ویژه تحت تأثیر افکار سید قطب و کتاب معالم فی الطریق که از دل آن گروه‌هایی مانند جهاد، جماعت اسلامی، التکفیر و الهجره با تمایلات بنیادگرایانه تند سر بر آوردند.^(۵۷) سرانجام پس از فراز و فرودهای بسیار، هنگامی که مأمون الهضیبی در ۲۰۰۲ پس از درگذشت مصطفی مشهور، به عنوان مرشد عام اخوان انتخاب شد، رویکرد بنیادگرایانه سازمان به موضع محافظه‌کاری اجتماعی و سیاسی تعدیل شده بود؛^۱ با این حال طی دوره انقلاب مصر، اخوان المسلمین یکی از گروه‌های فعال در مبارزه و جنبش اجتماعی بود.

پس از تحولات مصر و سقوط مبارک، راه برای بازگشت گروه‌های اسلام‌گرا به عرصه سیاسی باز شد. آن‌گونه که گفته شد یکی از پیامدهای تحولات چند دهه

۱. محمد مهدی عاکف، در حال حاضر مرشد عام اخوان المسلمین است.

اخیر این بود که اخوان المسلمین به نماینده دیدگاه‌های محافظه‌کار اسلامی در مصر تبدیل شده بود. در این شرایط، بنیادگرایان خود را نیازمند تشکلی سیاسی می‌دیدند. عمده‌ترین گروه بنیادگرایان مصری جامعه الدعوه السلفیه است که در سال ۱۹۷۷ تشکیل شد. در این سال اخوان المسلمین توانسته بود بر دانشگاه اسکندریه تفوق یابد و در واکنش به این مسئله دانشجویان سلفی، مدرسه سلفی را تشکیل دادند تا به مبارزه فکری و تقابل سازمانی با اخوان پردازند.^(۵۸) حزب النور به عنوان تشکلی سیاسی این گروه بنیادگرای اسلامی، در ۱۲ می ۲۰۱۱ اعلام وجود کرد. بدین ترتیب می‌توان الدعوه و شاخه سیاسی آن یعنی النور را نماینده گروه‌هایی دانست که به لحاظ تاریخی حاصل تعارض‌ها و انشعاب‌های درونی اخوان و پیروان فکری سید قطب هستند. این حزب طی انتخابات پارلمانی اخیر پس از اخوان المسلمین بیشترین کرسی‌ها را نصیب خود کرد. نکته در خور توجه آنکه هر دو گروه‌ها استقبال قابل توجهی از فضای مجازی نشان دادند.^۱ تجربه گروه‌های غیرمذهبی چون کفایه و جنبش ششم آوریل درس‌هایی به کنش‌گران و چالش‌گران جامعه سیاسی و حکومت می‌داد که این محافظه‌کاران و بنیادگرایان به‌ویژه اخوان المسلمین مصر نیز این درس‌ها را آموختند. شادی حمید می‌گوید:

آنها [اخوان المسلمین] همان روش همیشگی خود را به کار بستند و اکنون به ابزاری جدید دست یافتند... لیبرال‌ها روایت‌هایی واقعی از [صحنه‌ها و رویدادهای] انقلاب را ارائه داده و توثیق می‌کردند.^۲ [در این شرایط] اخوان المسلمین دریافت فرصتی برای عقب‌نشینی است و گفت: «سلام، ما هم اینجا هستیم». آنها فضای دیجیتالی را به سود رقبای خود ترک نخواهند کرد.^(۵۹)

استفاده چشمگیر جوانان اخوان از وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیامدهای قابل بررسی‌ای داشت. آنان در راستای چالش با حکومت و حمایت از اعضای محبوس خود به وبلاگ‌ها و فضای مجازی روی آوردند. اینترنت علاوه بر این امکانات

۱. وبسایت‌های مهم در پیوست آمده است.

۲. Twitting: ابزاری که کاربران سایت Twitter.com به کار می‌برند و به وسیله آن یادداشت‌های خود را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند.

مبارزاتی که در اختیار اخوان قرار می‌داد، دیدگاه‌های اقشار مختلف به‌ویژه نسل‌های جدید و جوان هوادار را نیز منتشر کرده که تأثیر بسزایی در رویکردهای آتی رهبران سازمان داشت. افکار این جوانان که تحت تأثیر فناوری جدید و آموزه‌های نوین بشری با ارزش‌هایی نظیر برابری زنان و زندگی دموکراتیک آشنا شده بود، با دیدگاه‌های محافظه‌کارانه رهبران در چالش قرار می‌گرفت. هنگامی که اخوان در سال ۲۰۰۷ اهداف سیاسی و برنامه‌های اصلاحی خود را بر اساس احکام شریعت در چهارچوب یک بیانیه انتشار داد، واکنش نیروهای مختلفی را برانگیخت. هرچند مخالفت با آرای این بیانیه از سوی نهادهای حکومتی و نیروهای سکولار طبیعی به نظر می‌رسید، بخش‌هایی از بدنه سازمان به‌ویژه نسل جوان، نسبت به آن و به‌ویژه مواردی که در مورد حقوق زنان و مسیحیان قبطی بود، موضع گرفتند. آنها در وبلاگ‌ها و شبکه‌های مجازی این برنامه را به نقد گرفته و آن را مشکل‌دار عنوان می‌کردند.^(۱۰)

در مطالعه فعالیت‌های اینترنتی اخوان به مورد جالبی برخورد می‌کنیم. در می ۲۰۱۰، اخوان‌المسلمین نسخه فیس‌بوک ویژه خود را با عنوان Brother book که در ژوئن آن سال به ikhwanbook تغییر نام داد ایجاد کرد. آن‌طور که سایت اخوان‌بوک اعلام می‌کند هدف این شبکه اینترنتی جمع کردن تمامی مسلمین از هر زبان و هر نژاد از سراسر دنیا برای ایجاد فرصتی به منظور همگرایی و بحث آزاد درباره مسائل مختلف در پرتوی اسلامی میانه‌رو است که هدف اصلی اخوان‌المسلمین است. فعالیت‌های اخوان هر روز گسترده‌تر شده و علاوه بر سایت مذکور، پایگاه‌های اینترنتی مهم دیگری مانند ikhwanonine.com، ikhwanweb.com، ikhwantube.org، ikhwanwiki.com، ikhwanophobia.com و ikhwanscop.com نیز مراکز مهم فعالیت سایبری اخوان‌المسلمین را در کنار خیل بسیار وبلاگ‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند. بخشی از این پایگاه‌ها به‌ویژه وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی عرصه‌های مهم مبارزان اخوان پیش از انقلاب مصر بود.

از سوی دیگر النور به عنوان مهم‌ترین تشکل سیاسی بنیادگرا از اینترنت غافل نماند. این حزب سلفی که پس از استعفای مبارک اقدام به کنش‌های جمعی و بسیج اجتماعی قابل توجهی برای کسب قدرت سیاسی کرد، علاوه بر فعالیت‌ها در فضای

وبلاگی به منظور انتشار مرام و آرای خود، دست به کار بهره‌برداری از فضای مجازی در مبارزات انتخاباتی پارلمان شده است. بدین منظور یک پایگاه اینترنتی چندمنظوره ایجاد کرده که در آن ضمن تبلیغ آرا و برنامه‌های کاری و انتشار اخبار، امکاناتی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی نیز تعبیه نموده است. هم‌اکنون صفحه فیس بوک حزب النور نزدیک به ۱۵۵ هزار هوادار دارد (آدرس وبسایت‌های مهم در پی‌نوشت‌ها آمده است).

پدیده وبلاگ‌های اخوان المسلمین در طول دهه خیر را می‌توان واکنشی به سرکوب حکومتی، به منظور بسیج تدارکی و تدافعی دانست. پس از بازداشت دانشجویان الازهر و اخوان المسلمین در سال ۲۰۰۷^(۳۱) وبسایت‌ها و وبلاگ‌هایی برای حمایت از دانشجویان و تبلیغ علیه حکومت ساخته شد.^(۳۲) این مدل از وبلاگ‌نویسی که مبتنی بر نشر کلیپ‌های تصویری، عکس‌ها و مطالبی درباره آرای اخوان و نقض حقوق بشر توسط حکومت بود، مشابه نمونه‌های لیبرال‌تر خود نظیر وبلاگ وائل غنیم بود. این مطلب گویای فرایندی از یادگیری روش‌های مؤثر و کارآمد اعتراض از طریق فضای مجازی نزد کنش‌گران و چالشگران مصری، فارغ از هر ایدئولوژی و عنوانی و نمودی از کارایی اینترنت به عنوان ابزاری مهم در مبارزه سیاسی و اجتماعی است. بازداشت ۴۵ روزه عبدالمنعم، نویسنده وبلاگ «من یک اخوان هستم» که یکی از مهم‌ترین وبلاگ‌ها و پایگاه‌های اینترنتی جنبش اخوان المسلمین به شمار می‌آید، در کنار پیگرد وبلاگ‌نویسان لیبرال، نشان‌دهنده این است که پیگرد و آزار فعالان اخوان المسلمین و وبلاگ‌نویسان لیبرال می‌تواند بخشی از یک برنامه سرکوب حکومتی بوده باشد.^(۳۳) به‌رغم سرکوب جنبش توسط حکومت، اخوان همچنان خواستار شناسایی گروه به عنوان یک حزب سیاسی بود. با این وصف، صدای چالشگرانی که از فضای مجازی به گوش می‌رسید، چه لیبرال و چه محافظه‌کار و بنیادگرا، تهدیدی جدی برای حکومت به شمار می‌آمد و از سوی دستگاه به شیوه‌ای مشابه مورد سرکوب قرار می‌گرفت.

می‌توان استدلال کرد مسیری که جنبش‌های اینترنتی و وبلاگ‌نویسی کفایه و اخوان المسلمین پیمودند، می‌تواند محدودیت‌های اینترنت را به مثابه ابزاری برای ایجاد فرصت‌های سیاسی و تسهیل بسیج منابع در مصر، نشان دهد. حکومت مبارک

حاضر به پذیرش محدوده آزاد فضای مجازی نبود. فیلتر و بستن سایت‌ها در کنار ارباب و بازداشت فعالان فضای مجازی، این واقعیت را نشان می‌داد که حکومت، پدیده وبلاگ‌نویسی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی را تهدیدی علیه اقتدار و حاکمیت خود دریافته و به آن مجال فعالیت نمی‌دهد. حکومت همزمان با فشارهایی که بر فعالیت‌های مجازی این جنبش‌ها اعمال می‌کرد، به واسطه روشنگری‌ها و اطلاعاتی که وبلاگ‌ها در مقیاس بین‌المللی انتشار می‌دادند، برای اعطای امتیازاتی به جنبش‌ها تحت فشار نیز قرار می‌گرفت. این پیامدها نوری به کورسوی راه فعالان اینترنتی می‌تاباند که همچنان از وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی به مثابه ابزاری علیه استبداد حکومت استفاده کنند.

فضای مجازی در مصر: محدودیت‌ها و فرصت‌ها

بر اساس نظریه جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی، باید ساختارهای فرصت‌ساز سیاسی و بسیج منابع، و چگونگی پایداری این عوامل زیر فشار حکومت‌های اقتدارگرا را در جنبش‌های اسلامی مورد بررسی، جزء عوامل مهم لحاظ کرد. بسیاری از محققان و فعالان سیاسی به نیروی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای توسعه جامعه مدنی و فعالیت‌های اعتراضی امیدوارند. حتی به عقیده رابرت پاتنام شبکه‌های غیر متعارف^۱ از جمله اینترنت ممکن است در روند دموکراتیزه شدن قدرت سیاسی نقش ایفا کنند. با این حال تجربه جنبش‌های اسلامی نظیر مصر این امید را به چالش می‌گیرد، اگرچه خط بطلان بر آن نمی‌کشد. اینترنت و فعالیت‌های افراد در فضای مجازی نقش بسزایی در ترفیع و تقویت جایگاه جنبش‌های اجتماعی ایفا می‌کند، اما در برابر تهدیدهایی که از ناحیه اقتدار حاکم متوجه آنها می‌شود، چندان توانایی مقاومت و دفع خطر را ندارد. با این حال تجربه مصر نشان‌دهنده موقعیت خاصی بود. آن‌گونه که تیلی بیان می‌دارد سرکوب در مرحله بسیج بسیار مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر از سرکوب در مرحله کنش است. مبارک با اینکه راه‌های مختلف بسیج را طی سی سال حکومت با تمسک به قانون وضعیت اضطراری بست، اما به پتانسیل اینترنت به مثابه ابزار و فضایی برای سازمان‌دهی و

بسیج علیه حکومت آشنا نبود؛ از سوی دیگر تاکتیک‌هایی که برای کنترل و سرکوب فعالیت سایبری پیش گرفته بود، تمام راه‌های منتهی به فعالیت را نمی‌بست، چراکه اینترنت هنوز گزینه‌های مختلفی را در اختیار چالشگران قرار می‌داد.

با مطالعه جنبش کفایه می‌توان دریافت فعالیت‌های اینترنتی تاکتیک‌های مؤثری را در اختیار چالشگران قرار می‌دهد. هم جنبش اخوان و هم کفایه توانستند با بسیج منابع در فضای مجازی اقداماتی سیاسی در دنیای واقعی ترتیب دهند. جالب اینجاست که فرهنگ سنتی و محافظه‌کار جامعه مصر نیز برای پذیرش اینترنت به عنوان روشی برای مبارزه مشکلی نداشت. اخوان‌المسلمین و به‌ویژه کفایه توانستند با بهره‌برداری از وبلاگ‌نویس‌ها و انجمن‌های اینترنتی، سخنگویانی برای خود بیابند تا به‌رغم سرکوب حکومتی، مردم را به تظاهرات خیابانی فراخوانده و جمعیت را بسیج کنند. ماهیت کنش متقابل در فضای مجازی، گرایش‌های سیاسی کاربران را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را به کنش‌های رادیکال‌تر در مقابل سرخوردگی‌های ناشی از سرکوب دائم حکومت امیدوار می‌کند.

در همین هنگام، تجربه این جنبش‌ها محدودیت‌های اینترنت را نیز نمایان می‌سازد. سانسور و نظارت بر فعالیت‌های اینترنتی و خشونت حکومت علیه فعالان مشهور فضای مجازی، کارکردهای اینترنت در یک جنبش اجتماعی را محدود می‌کنند. بدین ترتیب اینترنت به‌شدت توسط قوانین حکومتی و همچنین تاکتیک‌ها و راه‌های نوین مقابله با فعالیت‌های سایبر کنترل و تنظیم می‌شود. علاوه بر آن، حکومت‌ها ترجیح می‌دهند با سرکوب فیزیکی در جهان واقعی و محدود کردن آزادی‌های مدنی، هیاهوهای فضای مجازی را که به چالش با حکومت و جامعه سیاسی می‌انجامد، خاموش کنند. نکته دیگر آنکه تمایل وبلاگ‌نویسان به تنظیم محتوای یادداشت‌ها و پیام‌های وبلاگ خود در اعتراض به خشونت حکومتی و آرایش جامعه سیاسی، می‌تواند موجب برخورد سرکوبگرانه‌تر حکومت نسبت به مخالفان و مقابله بیشتر با روند دموکراتیزه شدن قدرت شود. بدین ترتیب، حکومت و جامعه سیاسی با بهره‌برداری از تهدید این چالشگران آسیب‌پذیر، فرصتی می‌یابند تا موقعیت خود را در قدرت تثبیت کنند.

چنان‌که می‌توان دریافت، تعامل موفق بین فضای مجازی و جنبش اجتماعی

ناشی از یک انطباق پویا میان کارویژه‌های گروه‌های اجتماعی و سیاسی در جهان واقعی و جهان مجازی است. فضای مجازی همچون متغیری دخیل بر فرایند جنبش اجتماعی تأثیر می‌گذارد، روند بسیج را تسهیل و ابزاری نوین در خدمت چالشگران به منظور سازمان‌دهی مخالفان حکومت و کنش جمعی فراهم می‌کند. با این تعبیر می‌توان ادعا کرد آن دسته از احزاب و گروه‌های سیاسی که در دنیای واقعی موقعیت و پایگاه اجتماعی قوی‌تری دارند، در صورتی که توانایی بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی در ایجاد فرصت برای جنبش، تکمیل و تسهیل فرایند بسیج و سازمان‌دهی را داشته باشند و بتوانند نیازها و دغدغه‌های دنیای واقعی را در محیط مجازی به شکلی کارآمد منعکس کنند، می‌توانند مدل‌ها و الگوهای خود برای زندگی سیاسی و اجتماعی را در جامعه بسط دهند. در مطالعه مصر دیدیم که اقشار و گروه‌های پیشروتر جامعه مانند کفایه و گروه‌های اسلام‌گرا چون اخوان المسلمین از امکانات اینترنت به وجه گسترده‌ای استفاده کردند و به میزان قابل توجهی هم متحمل هزینه و هم توفیقات سرنوشت‌سازی شدند. با توجه به تشکل گروه‌های اسلام‌گرا چون اخوان المسلمین و دسترسی آنها به منابع مالی گسترده و با عطف نظر به این نکته که اخوان المسلمین پایگاه اجتماعی گسترده‌تری از گروه‌های غیر مذهبی میان جمعیت عمدتاً محافظه‌کار مصر دارد، می‌توان پیش‌بینی کرد اسلام‌گرایان بتوانند با استفاده از فضا و ابزارهایی که اینترنت در اختیار آنان می‌گذارد، ارزش‌ها و الگوهای تعامل خود و مدل شهروندی اسلامی را با احتمال توفیق بیشتری در جامعه تبلیغ کنند. البته از این مهم نباید غافل شد که الگوهای شهروندی و برنامه‌های کاری این گروه‌ها تحت تأثیر افکار نو، برابرطلب و آزادی‌خواه نسل‌های جدید به طور قابل ملاحظه‌ای تعدیل شده و برای توفیق اجتماعی نیاز به حد بالایی از سازگاری با گروه‌های پیشرو و شهرنشین وابسته و هوادار خود دارد.^(۱۴)

در کل با آگاهی از نقاط ضعف و محدودیت‌های اینترنت در رابطه با جنبش‌های اجتماعی، می‌توان به یک جمع‌بندی در مورد نقش و تأثیر فضای مجازی در جنبش اجتماعی اخیر مصر رسید. شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای اینترنت در جنبش‌های اجتماعی، شکل دادن به گونه‌ای جدیدی از تعامل میان

کنشگران یک جنبش باشد. فضای مجازی علاوه بر اینکه می‌تواند صدای رهبران و سطوح بالای جنبش را در کوتاه‌ترین زمان به سطوح پایین‌تر و به جمعیت برساند، چگونگی تعامل میان رهبران و جمعیت را نیز دچار تحولاتی چشمگیر می‌کند. اینترنت این فرصت را در اختیار جنبش قرار می‌دهد که علاوه بر رابطه متعارف از بالا به پایین و یک‌طرفه رهبران با جمعیت، رهبران و سازمان‌دهندگان نیز آرا و عقاید و تقاضاهای سطوح پایینی جنبش و جمعیت را شنیده و با آنها به تعاملی دوطرفه برسند. در این حالت از وضعیت تک‌گفتاری^۱ به امکان گفت‌وگوی دوجانبه^۲ میان سطوح مختلف جنبش می‌رسیم. استقبال سیاست‌مداران و حکومت‌های غربی از امکانات و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در ایجاد ارتباطی دوطرفه با مردم، نشانه اهمیت این وجه از تعامل است که فضای مجازی آن را مهیا ساخته است. در این بحث می‌توان ادعا کرد اینترنت در سه سطح، تعامل میان اعضای جنبش را تقویت می‌کند. در سطح بالای جنبش، رهبران و سازمان‌دهندگان می‌توانستند برنامه‌ها و اهداف را میان بخش‌های مختلف خود حتی در فواصل جغرافیایی دور در مدت زمانی کوتاه هماهنگ سازند. بدین ترتیب فضای مجازی، سازماندهی درونی میان سرآمدان جنبش را تسهیل می‌کند. در سطحی دیگر همان‌گونه که پیشتر گفته شد، رابطه‌ای میان رهبران و سازمان‌دهندگان جنبش فراهم می‌آورد که پیام‌ها، بیانیه‌ها و فراخوان‌های خود را به گوش جمعیت رسانده و آنها را به خیابان‌ها بکشند. در این سطح ما با فرایند بسیج اجتماعی سروکار پیدا خواهیم کرد. رهبران جنبش در فضای سرکوب و بسته جامعه از فضای مجازی به عنوان رسانه‌ای جان‌نشین برای خبرپراکنی و آگاهی‌رسانی بهره می‌گرفتند. طی این فعالیت رسانه‌ای آنها سعی در آموزش جمعیت و مبارزه‌ای رسانه‌ای داشتند. آموزش و خبررسانی در چنین فضای مبهمی می‌تواند نسبت به توسعه فرهنگی و فکری کژکارکرد نیز باشد، اما آنچه برای رهبران جنبش و جمعیت مهم است، خوراک فکری‌ای است که آنان را در برابر حکومت مجهز کند. در سطح پایین نیز می‌توان به این نکته اشاره داشت

1. Monologic
2. Dialogic

که فضای مجازی به ایجاد حسی از همکاری شبکه‌ای در فضای اینترنتی منجر می‌شود. این حس همکاری خود موجب هرچه نزدیک‌تر شدن افراد هم‌فکر به یکدیگر و شکل‌گیری و تقویت روابط دسته‌ای و گروهی حول محور اهداف، ویژگی‌ها و موقعیت‌های مشترک می‌شد. برای روشن ساختن بحث بهتر است از یافته‌ها و تعبیرهای تحقیقات حامد الگار (۱۳۶۰) در مورد تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر ایران استفاده کنیم. الگار در تحقیقات خود، انقلاب اسلامی ایران را «انقلاب نوار کاست» و انقلاب مشروطیت را «انقلاب تلگرام» نامید. آرای او در مورد انقلاب اسلامی متضمن نقش نوار کاست در انتقال پیام‌های رهبر انقلاب و سخنرانان انقلابی به بخش‌هایی از جمعیت و انتشار این آرا از طریق شبکه‌هایی از افراد جامعه در میان یکدیگر بود. با این حال نوار کاست که صدای رهبران را به جمعیت می‌رساند رابطه‌ای یک‌طرفه^۱ ایجاد می‌کرد. در مورد انقلاب مشروطیت نیز تأکید الگار^(۶۵) بر نقش تلگرام در ایجاد ارتباط میان رهبران و سازمان‌دهندگان جنبش اجتماعی در نقاط مختلف کشور بود که به این ترتیب اقدامات خود در سطوح رهبری جنبش را هماهنگ کنند و پیام‌های رهبران و شخصیت‌های متنفذ را از این طریق به نقاط مختلف کشور برسانند. با توجه به امکاناتی که اینترنت در سطوح سه‌گانه تعامل میان رهبران جنبش اجتماعی و جمعیت فراهم آورده، چندان بی‌راه نخواهد بود که انقلاب مصر را نیز «انقلاب اینترنت» قلمداد کنیم. هرچند اطلاق این عنوان به میزان قابل توجهی غلو در نقش فضای مجازی است، اما همان‌طور که الگار با تعبیر خود اهمیت نقش تلگرام و نوار کاست را در انقلاب‌های مشروطه و اسلامی ایران نشان داد، می‌تواند جایگاه اینترنت و نقش آن را در جنبش انقلابی مصر نشان دهد. با این حال همان‌طور که وائل غنیم - هرچند از سر فروتنی - عنوان داشته بود «قهرمان واقعی او نبود، بلکه افرادی بودند که جان خود را در کف خیابان‌ها گذاشته بودند». فارغ از هر نوع ارزش‌گذاری این عبارت، غنیم به‌درستی اهمیت کنش جمعی در دنیای واقعی را بخش تعیین‌کننده جنبش اجتماعی معرفی می‌کند.

نتیجه‌گیری

انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی جدید و نقش پررنگ اما مبهم فناوری در این تحولات اجتماعی، ذهن بسیاری از پژوهشگران را در سال‌های اخیر به خود معطوف داشته است. در این مقاله سعی ما بر آن بود که با مطالعه موردی تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر مصر بر مبنای چهارچوب نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، به این پرسش پاسخ دهیم که «فضای مجازی و اینترنت، به عنوان یک پدیده تکنولوژیک که در مناسبات اجتماعی و انسانی رسوخ کرده و خود نیز تا اندازه‌ای به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده، چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای جنبش‌های اجتماعی ایجاد کرده و چگونه بر فرایندهای شکل‌گیری این جنبش‌ها اثر می‌گذارد؟» مطالعه تجربه مصر نشان می‌دهد از یک‌سو اینترنت و فضای مجازی آن‌گونه‌ای که برخی تحلیلگران می‌گویند، الزاماً عرصه آزادی بیان و دموکراسی‌سازی جامعه و دولت نیست اگرچه به عنوان عاملی مؤثر نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ از سوی دیگر آن‌گونه که برخی مدعی‌اند، محدودیت تعداد کاربران اینترنت نسبت به جمعیت کل در جنبش‌های اجتماعی نظیر مصر، نمی‌تواند مصداق اهمیت ناچیز فضای مجازی در جنبش‌های اجتماعی این کشورها باشد. فضای مجازی به عنوان ابزاری برای بسیج و سازمان‌دهی منابع، آنگاه واجد اهمیت می‌شود که از یک‌سو در دسترس سازمان‌دهندگان جنبش باشد و از سوی دیگر نقش واسطه ارتباطی میان رهبران و بخش‌هایی فعال و پرشور از جمعیت را ایفا کند. حال آنکه میزان چشمگیری از شهروندان مصری به اینترنت دسترسی داشتند، و در طول دهه گذشته رشد استقبال از اینترنت در میان جمعیت عموماً محافظه‌کار مصر قابل توجه بوده است.

در طول مطالعه موردی تأثیر فعالیت‌های مجازی بر جنبش‌های اجتماعی مصر، ضمن اشاره به اشخاص، وب‌سایت‌ها و گروه‌های فعال در شبکه‌های مجازی و تحلیل جایگاه و تأثیر آنها بر مؤلفه‌های فرایند بسیج منابع، به مطالعه مشخص دو مورد یعنی گروه مجازی «کفایه» و فعالیت‌های اینترنتی اخوان المسلمین و اخیراً جنبش سلفی در این چهارچوب پرداختیم. با مطالعه تجربی این موارد سعی داشتیم ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی را که فضای مجازی در فرایند شکل‌گیری و بسیج

جنبش‌های اجتماعی ایجاد می‌کند استخراج و تحلیل کنیم. بر این اساس، ما به این نتیجه رسیدیم که اکنون فضای مجازی امکانات بی‌نظیری فراهم کرده که می‌تواند در پیشبرد جنبش‌های اجتماعی و تکمیل فرایند بسیج مؤثر واقع شوند. نخست، این امکان را برای جنبش فراهم می‌کند که صدای رهبران را در عرض چند ثانیه به گوش بخش‌های گسترده‌ای از جمعیت برساند؛ دوم، این امکان را به رهبران و سازمان‌دهندگان می‌دهد که اقدامات میان بخش‌های مختلف خود در فاصله‌های جغرافیایی نزدیک و دور (حتی خارج از مرزهای جغرافیایی یک کشور) را به صورت آنلاین هماهنگ و برنامه‌ریزی کنند؛ سوم آنکه تمهیداتی برای افراد در میان جمعیت فراهم می‌کند تا اعتقادات، نظرات و تجربه‌های خود را به صورت، نوشتار، گفتار، عکس و ویدئو در اختیار یکدیگر قرار دهند؛ چهارم فضای مجازی می‌تواند عرصه‌ای را فراهم کند که روابط میان رهبران و جمعیت به صورت دوطرفه برقرار شود تا مردم نیز، سخنان خود را به گوش رهبران جنبش برسانند. بدین ترتیب اینترنت علاوه بر آنکه امکانات بی‌نظیری به منظور تبلیغ، سازماندهی و ارتباط رهبران با جمعیت در اختیار جنبش قرار می‌دهد، شکل و شیوه تازه‌ای از تعامل را میان سطوح مختلف جنبش فراهم می‌کند.

در نهایت می‌توان چهار نتیجه عمده از این تحقیق به دست داد:

۱. آن‌گونه که پاتنام متذکر می‌شد اینترنت ممکن است افراد را به گمنامی و انزوا از مشارکت و فعالیت سیاسی بکشاند. می‌توان تا اندازه‌ای پذیرفت که اینترنت قادر است توجه افراد را از محیط‌های فیزیکی ضروری در زمانی که آنها آنلاین هستند، دور کند، چراکه تعاملات آنلاین نسبت به تعاملات رو در رو و حتی تماس‌های تلفنی، در رده دوم یا پایین‌تر قرار می‌گیرد.^(۶) با این حال مطالعه جنبش اجتماعی مصر نشان می‌دهد ارتباط در فضای مجازی می‌تواند مکمل کنش متقابل رو در رو در فضای واقعی باشد و آن دو را تقویت کند.

۲. فعالیت اینترنتی صرفاً ابداع و ابتکار نو در جنبش اجتماعی است و اگرچه نتوانسته جایگزین مؤثری برای اشکال قدیمی‌تر چالش و مبارزه با حکومت در دنیای واقعی معرفی کند، به عنوان متغیری دخیل در فرایند بسیج و کنش جمعی نقشی قابل توجه ایفا کرده است.

۳. به‌رغم سرکوب حکومت، چالشگران اسلام‌گرا و لیبرال چه در عرصه مجازی وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی و چه در میتینگ‌ها و دوره‌های مخفی یا آشکار دنیای واقعی از منازعه خود دست نکشیدند و چالش علیه وضع موجود و استبداد حاکم را فرونگذاشتند. در واقع فضای مجازی این امکان را برای جنبش فراهم کرد که دیوارهای ناامیدی و دلسردی از آینده را به یاری عرصه‌ای نوین از تعامل بشکنند.

۴. با حمایت رسانه‌های بین‌المللی و سرویس‌دهنده‌هایی که فیلترینگ اعمال نمی‌کردند، وبلاگ‌نویسان مسلمان و انجمن‌های مجازی قادر به ادامه چالش علیه حکومت و افشای اطلاعات حاوی اعمال ناقض حقوق بشر آن بودند. اینترنت با سیاسی کردن شهروندان و فراهم کردن اخبار سانسورنشده می‌تواند به توسعه عرصه‌ای برای بحث، چانه‌زنی و مناظره درباره نقش حکومت و رفتار سرکوب‌گرانه آن با شهروندان پردازد. یک کارکرد اساسی جنبش اجتماعی تشویق و دستیابی به یک ائتلاف اجتماعی برای هدفی واحد است. افزایش امکان دسترسی به اینترنت می‌تواند دستیابی به این کارکرد را در کوتاه‌مدت میسر کند. از این منظر، نمونه مصر نشان می‌دهد سهم اینترنت در جنبش اجتماعی می‌تواند متغیر ارزشمندی در فرایند بسیج منابع، ارتباطات، آموزش و ارائه‌دهنده راه‌ها و روش‌هایی برای تکمیل این فرایند باشد. با این حال نباید فراموش کرد که اعتراض‌های خیابانی به عنوان روشی تعیین‌کننده در جنبش‌های اجتماعی، واقعیتی است که به تدریج و در طول زمان شکل می‌گیرد. اینترنت - با تأکید بر وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی - منابع نسبتاً جدیدی در اختیار چالشگران هستند که این امکان را به آنها می‌دهد تا بتوانند فرایند بسیج و کنش جمعی را تسریع کنند. البته این عرصه چنانچه فرصت‌هایی برای جنبش فراهم می‌کند، سازوکاری در اختیار حکومت برای تحدید و کنترل جنبش نیز قرار می‌دهد. *

پیوست

پایگاه‌های اینترنتی مهم:

- وبسایت جنبش کفایه: (<http://harakamasria.org>)
وبسایت کمپین آزادی عبدالکریم: (<http://www.freekareem.org>)
صفحه فیس‌بوک جنبش ششم آوریل (<https://www.facebook.com/shabab6april>)
وبلاگ من یک اخوان هستم: (<http://ana-ikhwan.blogspot.com>)
وبلاگ شخصی وائل عباس: (<http://misrdigital.blogspot.com>)
وبلاگ شخصی عبدالکریم نبیل: (<http://karam903.blogspot.com>)
حزب النور (www.alnourparty.org)

منابع آماری:

statistics:

- Internet world stats Egypt: Internet Usage and Telecommunications Reports, <<http://www.internetworldstats.com/af/eg.htm>> last accessed: 11/15/2011
Internet world stats Internet users in Africa: march 31, 2011. <<http://www.internetworldstats.com/stats1.htm>> last accessed: 11/15/2011
Internet world stats Internet Usage in the Middle East, <<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>> last accessed: 11/15/2011
Internet world stats Facebook users in the world < <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>> last accessed: 11/15/2011
Internet world stats Arabic Speaking Internet Users Statistics, <<http://www.internetworldstats.com/stats19.htm>> last accessed: 11/15/2011
Pingdom, Internet 2010 in numbers (2011, Jan, 12) <<http://royal.pingdom.com/2011/01/12/internet-2010-in-numbers/>>> last accessed: 11/15/2011

The Arab Human Development Report (UNDP) 2003 building a knowledge society. United Nation Development Programme. Pp 46-47 and p 64. Retrieved June 6, 2012 http://hdr.undp.org/en/reports/regionalreports/arabstates/Arab_States_2003_en.pdf

World Bank, World Development Indicators, < <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators> > Last accessed: 11/15/2011

پی‌نوشت‌ها

1. Jonathon Cummings; Brian Butler; Robert Kraut, "The quality of online social relationships". *Communications of the ACM*. 2002, Volume 45, Issue 7, pp. 103-108.
2. Norman H. Nie, "Sociability, Interpersonal Relations, and the Internet: Reconciling Conflicting Findings", *American Behavioral Scientist*, (2001), 45 (3), pp. 420-435.
3. Charles Tilly, *From the mobilization to revolution*, (university of michigan press, 1977).
4. Charles Tilly, *From the mobilization to reical Movements, 1768–2004*, (Boulder, Colorado, USA: Paradigm Publishers, 1977)
۵. لین هانت، «کنش جمعی چارلز تیلی»، در *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*، به کوشش تدا اسکاچپول، مترجم: هاشم آقاجری، (تهران: نشر مرکز ۱۳۸۸)، ص ۳۶۵.
۶. حمیرا مشیرزاده، *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، (تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۱۵۲.
۷. همان.
8. Tilly, *From the mobilization to revolution*, Op. Cit., p. 1-3
9. Ibid., p. 3-7.
۱۰. مشیرزاده، پیشین، ص ۱۵۲.
11. Tilly, Op. Cit., p. 26.
۱۲. هانت، پیشین، ص ۳۶۳.
13. Tilly, Op. Cit., p. 4.
۱۴. نظری، علی‌اشرف و بهزاد عطارزاده (بی‌تا) «نظریه بسیج منابع و تبیین کنش جمعی در قیام سی تیر سال ۱۳۳۱»، در نوبت انتشار.
15. Tilly, Op. Cit., pp. 55-57.
۱۶. واژه Repertoire را مترجم محترم آقای دکتر علی مرشدی‌زاد به «مجموعه کامل نمایش»

برگرداننده‌اند. چالرز تیلی، جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۰، مترجم: علی مرشدی‌زاد، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹).

17. Tilly, Social Movements, 1768–2004, Op. Cit., pp. 55-57.

18. Ibid.

۱۹. مشیرزاده، پیشین، ص ۱۵۷.

20. Pingdom, Internet 2010 in numbers (2011, Jan, 12) <<http://royal.pingdom.com/2011/01/12/internet-2010-in-numbers/>> last accessed: 11/15/2011

21. Internet world stats, “Facebook users in the world” (2011) < <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>> last accessed: 11/15/2011

۲۲. بنگرید به: آکسفورد، بری و ریچارد هاگینز، رسانه‌های جدید و سیاست، مترجم: بابک بیگی، (پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷، فصل دوم)؛ همچنین یحیی کمالی‌پور در گفتگو با هومان دوراندیش، «ایترنت در خدمت آگاهی و دموکراسی»، دیپلماسی ایرانی، (۳۰ بهمن ۱۳۸۹)، تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۴.

23. Barish, Noah, “Bowling Alone and the Virtual Community”, *Encyclopedia of Stanford*, (2003, March) Retrieved Oct, 6, 2011 <<http://www.stanford.edu>>

۲۴. احمدرضا اصغریور ماسوله، «بررسی کتاب سرمایه اجتماعی نوشته جان فیلد». بی‌جا. ۱۳۸۶ ص ۱۱. تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۴

25. Robert Putnam speaks to Madeleine Bunting Guardian. co. uk (18. july. 2007), Retrieved Oct, 7, 2011

26. Bunting, Madeleine “Capital ideas”, Guardian.co.uk, 2007, Retrieved Oct, 7, 2011

27. Aung, N. Maung. “ Impact of Blogs and the Blogosphere on Various Societies”, *Bulletin of Applied Computing and Information Technology*, (2007, Dec) Vol. 5, Issue 2. ISSN 1176-4120, Retrieved November 3, 2011 <http://www.naccq.ac.nz/bacit/0502/2007Aung_Blogs.htm>

28. Cain Miller, Claire “How Obama’s Internet Campaign Changed Politics”, *New York times*, 2008, Nov, 7.

29. The Arab Human Development Report (UNDP), 2003, *building a knowledge society. United Nation Development Programme*, pp. 46-47 and p. 64, Retrieved june 6, 2012 http://hdr.undp.org/en/reports/regionalreports/arabstates/Arab_States_2003_en.pdf

۳۰. نکته جالب آن است که بعضی از جنبش‌های رادیکال اسلام‌گرا در اواخر دهه ۹۰ میلادی دست

به فعالیت در فضای مجازی زدند. میشل واین تحقیقی انتقادی پیرامون خدمات اینترنتی که کشورهای غربی به ویژه انگلستان در اختیار جنبش‌های رادیکال اسلامی قرار می‌دادند ارائه می‌دهد: Whine, Michael "Islamist organizations on the Internet", *Terrorism and Political Violence*, No. 11: 1, pp. 123-132 & 127.

31. 50 Years Amnesty International. Report 2011 "Amnesty International at 50 Says Historic Change On Knife-Edge". (May 17, 2011) Retrieved June 6, 2012 <<http://www.amnestyusa.org/news/press-releases/report-2011-amnesty-international-at-50-says-historic-change-on-knife-edge>>

۳۲. بنگرید به ژیل کپل، پیامبر و فرعون، جنبش‌های نوین اسلامی در مصر، مترجم: حمید احمدی، (تهران: کیهان، ۱۳۸۳) همچنین شریف منصور، «انقلاب فیسبوکی، کفایه، مبارزه برای دموکراسی و حکومت خوب در مصر»، مرکز بین‌المللی مبارزه بدون خشونت (International center of nonviolent conflict) (اوت/ ۲۰۱۰) ص ۲۰.

۳۳. منصور، پیشین.

34. Internet world stats, Op. Cit.

۳۵. منصور، پیشین، ص ۷.

36. Internet world stats. Internet users in Africa: march 31, 2011. <<http://www.internetworldstats.com/stats1.htm>> last accessed: 11/15/2011

-Internet world stats. "Arabic Speaking Internet Users Statistics" <<http://www.internetworldstats.com/stats19.htm>> last accessed: 11/15/2011

۳۷. منصور، پیشین، همچنین بنگرید به: خبرگزاری فارس، «بارگذاری ماهانه ۱۵۰ گیگابایت اطلاعات در کشور اهرام»، (۱۶/خرداد/۱۳۸۹) <<http://farsnews.com>> تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۶/۲۲

38. Human Rights Watch "False Freedom: Online Censorship in the Middle East and North Africa" (2005, November, 15), E1710, p. 19, available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/45cc445f2.html> [accessed 15 November 2011]

39. Ibid.

40. Ibid., also see. Reporters Without Borders (2004), "Internet Under Surveillance 2004-Egypt", available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/46e6918728.html> [accessed 15 November 2011]

۴۱. فعالیت‌های این وبلاگ‌نویس تمجید رسانه‌های بین‌المللی و سازمان‌هایی چون مرکز بین‌المللی

روزنامه‌نگاران و دیده‌بان حقوق بشر را برانگیخت. همچنین او موفق به دریافت جایزه «هلمن - همت» در سال ۲۰۰۸ و نامزدی جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۱۱ شد. ر.ک: وبلاگ شخصی وائل عباس: <http://misrdigital.blogspot.com>; همچنین بنگرید به: پایگاه خبری عصر ایران «اشک‌های وائل گوگل؛ گزارش خواندنی از کسی که اولین فراهخوان اعتراض را داد» (۲۰/بهمن/۱۳۸۹).

<<http://www.asriran.com>> آخرین دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۴؛ پارسینه «وبلاگ‌نویسان جوان عرب نامزد جایزه صلح نوبل» (۱۳/آبان/۱۳۹۰) <<http://www.parsine.com>> آخرین دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۴۲. پایگاه خبری الشرفه «اختلاف نظر پلیس مصر و خانواده خالد سعید در مورد شرایط مرگ وی» (۲۰۱۰/ژوئن/۱۴)

<<http://al-shorfa.com>> آخرین دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۴

۴۳. هنگامی که محمد بوعزیزی در تونس خود را به آتش کشید، پسر عمه او فیلم خودسوزی محمد را در اینترنت پخش کرد و به مدد این اطلاع‌رسانی سریع و وسیع، آتش را به کل تونس گسترش داد. هنگامی که انقلاب در تونس پیروز شد، فعالان مصری تحولات تونس را به صورت آن‌لاین در دسترس داشتند. پایگاه خبری اسلام تایمز (۱۸/اسفند/۱۳۸۹) «انقلاب تونس؛ آتشی در خرمن استبداد و وابستگی» <<http://www.islamtimes.org/fa>> دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۲.

۴۴. پایگاه خبری دویچه‌وله «قه‌رمان تازه اعتراضات مصر، مدیر سی‌ساله گوگل...» (۲۰۱۱/فوریه/۹) آخرین دسترسی ۱۳۹۰/۷/۲۴.

45. Courtney Radsch, Courtney, "Core to Commonplace: The evolution of Egypt's blogosphere", *Arab Media & Society American University of Cairo*, Fall 2008, Retrieved February 15, 2008.

46. Shapiro, Samantha M. "Revolution, Facebook-Style", *The New York Times*, January 22, 2009, Retrieved February 15, 2008.

47. Ellen Knickmeyer, "Fledgling Rebellion on Facebook Is Struck Down by Force in Egypt", *Washington Post*. (2008-05-18). Retrieved 2009-02-16.

48. Egyptian Chronicles. *Egyptianchronicles.blogspot.com*. Retrieved on 2011-03-12.

49. Egypt bloggers fear state curbs. *BBC News* (2007, Feb., 22) <http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/6386613.stm>

۵۰. منصور، پیشین، ص ۵.

۵۱. کفایه در مقطعی از مبارزات خود، جمال مبارک را متهم به ثروت‌اندوزی و تصاحب غیرقانونی

پست‌های حکومتی کرد. هماهنگ‌کننده جنبش مدعی شد که این جنبش قصد دارد جمال مبارک را به خاطر این اتهامات مورد پیگرد قانونی قرار دهد. خبرگزاری فارس «جنبش الکفایه جمال مبارک را به پای میز محاکمه می‌کشاند» (۱/آبان/۱۳۸۹) <[www. hbakhshi. com](http://www.hbakhshi.com)> تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۶/۲۰ همچنین بنگرید به: پیر بیورکلوند، «جنبش الکفایه و بازگشت چپ به عرصه مبارزات اجتماعی در مصر». مترجم: حیدر جهانگیری، بی‌جا (بی‌تا)، همچنین نگاه کنید به:

Shourbagy, Manar, "The Egyptian Movement for Change-Kefaya: Redefining Politics in Egypt", *Public Culture Winter*, 2007 19 (1), pp. 175-196.

52. Lerner Y. Melissa, "Connecting the Actual with the Virtual: The Internet and Social Movement Theory in the Muslim World, The Cases of Iran and Egypt", *Journal of Muslim Minority Affairs*, 2010, 30: 4, pp. 555-574.

53. Jurkowitz, Mark, "Events in Egypt Trigger Record Coverage", *Jurnalism.org*. 2011, Feb.

54. The Arabic Network for Human Rights Information [TANHRI], "Egypt: Coincide Hosting the Largest Communication Conference in Africa, an opposition's Web Site is being Blocked Egyptian Government should Unblock Kefaya Homepage", 12, May, 2008.

Also see: All Africa News Website. "Egypt: Opposition Website Blocked for Users of Government-Controlled ISP As Country Hosts Africa's Largest Telecommunications Conference", 2008, May, 13, Retrieved Oct, 7, 2011 <<http://allafrica.com/>>

55. Coptic assembly "George Issac, First Organizer of Kefaya Movement, was Arrested", (4, Sep, 2008).

See also John Ehab; Alexandra Sandels, 2008, April, 7, Revenge of the pyjamahedeen, Menassat. com

56. Oweidat Nadia et al "The kefaya movement a case study of grassroots reform", *Initiative National Defense Research Institute*, 2008.

۵۷. بنگرید به: هریر دکمیجان، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، مترجم: دکتر حمید احمدی، (تهران: کیهان، ۱۳۷۷).

همچنین: ریچارد میشل، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، جلد ۱، ترجمه سید هادی خسروشاهی، (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶).

۵۸. جیران عزیزی، «راهبرد سلفی‌ها برای دوران گذار مصر»، *روزنامه ایران*، ۹۰/۱۰/۱۵، صفحه ۲۳

(بین‌الملل)

59. Bohn, Lauren E., "The Muslim Brotherhood takes Twitter", *Foreign Policy*, The Middle East Channel, November 18, 2011, p. 7.
60. Tartoussieh, Karim "Virtual citizenship: Islam, culture, and politics in the digital age", *International Journal of Cultural Policy*, 2011, 17: 2, pp. 198-208.
61. ikhwanweb.com, "State Security Detains, Tortures 8 Al-Azhar Students", 6/may/2007.
62. Lynch, Marc "Young Brothers in Cyberspace", *Middle East Research and Information Project*, 2007. available at <http://www.merip.org/mer/mer245/young-brothers-cyberspace>. [accessed 15 November 2011]
63. Ibid
64. Tartoussieh, Op. Cit.
65. حامد الگار، *انقلاب اسلامی در ایران*، مترجم: مرتضی اسعدی و حسن چیذری، (تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۰).
66. Stanley J. Woody and Christopher Weare "The Effects of Internet Use on Political Participation: Evidence From an Agency Online Discussion Forum", *Administration & Society*, 2004, 36, pp. 503-527.
- همچنین بنگرید به: همشهری آنلاین، «تأملی در اثرات ظهور اینترنت بر سرمایه اجتماعی»، ۲/ خرداد/۱۳۹۰.

